

سلسله جزوات تبیین نظریات ۸۱ گانه‌ی مطرح در

«اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی»

# «نظریه بانک سوالات الگوی پیشرفت اسلامی»

تیرماه ۱۳۹۳

جزوه‌ی تبیین پایه‌ی تصمیم

جزوه‌ی تبیین تصویر تصمیم

جزوه‌ی تبیین نتیجه‌ی تصمیم

ویژه‌ی پیوست‌های برنامه‌ی ششم

پیشنهادی برای رفع آسیب ترجمه‌گرایی در دستگاه علمی کشور



الْحَمْدُ لِلَّهِ



## «نظریه بانک سوالات الگوی پیشرفت اسلامی»

موضوع جزوه: تبیین یکی از نظریات ۸۱ گانه‌ی مطرح در اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی (نظریه «بانک سوالات الگوی پیشرفت اسلامی»)، ویژه‌ی پیوست‌های برنامه‌ششم

ارائه بحث: دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

تدوین: بهنام نوذری

تاریخ انتشار: تیرماه ۱۳۹۳

[Tadvin1.blog.ir](http://Tadvin1.blog.ir)

پایگاه اینترنتی دایره‌ی تدوین:



## فهرست اجمالی مطالب

پژوهش ..... ۱۱

۴- تولید علم، ابزار دست‌یابی به توازن ..... ۱۱

پرورش ..... ۲۵

۲- «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»، دیدگاه سوم دکنا رو دیدگاه معتقد به مبانی دینی، در فضای تولید علم ..... ۲۵

پردازش ..... ۶۳

۱- عملیاتی کردن تئوری «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»، گام نهایی در مدیریت فضاهای علمی کشور ..... ۶۳

پیوست ..... ۸۲





# شروش

- موضوع جهت‌ساز: تولید علم
- جهت‌گیری صحیح: دستیابی به توازن
- ترجمه جهت‌ساز به جهت‌گیری: تولید نقشه‌ی جامع علمی کشور



پروش

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

برای روشن شدن ابعاد نظریه‌ی «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» و مطالب مطرح شده در آن، باید به چند مسئله توجه کرد.

#### ۴- تولید علم، ابزار دستیابی به توازن

۴/۱- تولید علم، مسئله‌ای ضروری و غیرقابل انکار به منظور حل مسائل

کشور

نکته‌ی اول این است که به هر حال برای اداره‌ی کشور، نیازمند تولید علم هستیم و بدون تولید علم، مسائل کشور حل نخواهد شد. این یک مسئله‌ی غیرقابل انکار است که همه‌ی گروه‌های فکری و تمام گرایش‌های سیاسی در جمهوری اسلامی، آن را قبول دارند.

۴/۱/۱- تبیین روایت «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ» توسط امام خامنه‌ای دامنه‌الله‌عنه در اثبات

ضرورت تولید علم و نگاه به علم به عنوان ابزار «تسلط» (توازن)، دیدگاهی

متفاوت با دیدگاه بیکنی به علم، به عنوان ابزار «قدرت»

آیت‌الله امام خامنه‌ای دامنه‌الله‌عنه هم ذیل روایت «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ»<sup>۱</sup>

توضیحاتی راجع به مسئله‌ی تولید علم و اهمیت آن بیان

فرموده‌اند.<sup>۲</sup> البته معنای این روایت، با جمله‌ی Knowledge is

<sup>۱</sup> شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹. الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ. ترجمه: امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد بر او یورش برند.

<sup>۲</sup> باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند. گفتم غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و خبائت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد. روایتی است که فرمود: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مِنْ وَجْهِ صَالِحٍ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ». باید علم پیدا کنید. علم که پیدا کردید، پنجه‌ی قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید، کسانی که دارای پنجه‌ی قوی هستند، دست شما را می‌پیچانند. جوانه‌تان را به علم تشویق کنید؛ این کار ممکن است؛ ما در ایران این کار را کردیم. ما قبل از انقلاب در ردیف‌های آخرِ آخرِ علمی دنیا قرار داشتیم، که هیچ‌نگاهی به طرف ما جلب نمی‌شد. امروز به برکت انقلاب، به برکت اسلام، به برکت شریعت، کسانی که در دنیا ارزیابی می‌کنند، گفتند و در دنیا منتشر شد که ایران امروز از لحاظ علمی در رتبه‌ی شانزدهم دنیا است. آیت‌الله امام خامنه‌ای دامنه‌الله‌عنه در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

<sup>۳</sup> «دانش قدرت است»، فرانسویس بیکن معتقد بود که «علم بر انسان و جهان تسلط

دارد» و «بر طبیعت نمی‌توان مسلط گشت مگر آنکه از قوانین آن آگاهی یابیم» و در رد

اندیشه کلیسا چنین عنوان کرد که «اگر انسان ذهن خود را معطوف به ماده کند در حدود

آن کار می‌کند و از حدود ماده تجاوز نمی‌نماید».



power - که بیان کننده‌ی دیدگاه بیکنی<sup>۴</sup> است - بسیار متفاوت است. در این جمله، علم ابزار قدرت دانسته شده و این با مفهومی که در روایت آمده، کاملاً متفاوت است. روایت می‌فرماید: علم ابزار تسلط است و منظور از تسلط هم در این روایت، «توازن» است.

نکته‌ی مهم این است، که نباید با نگاه اخباری<sup>۵</sup> به روایات نگاه کرد. بنابراین یکی از سرفصل‌های مهم در این زمینه، پرداختن به ضرورت مسئله‌ی تولید علم است.



<sup>۴</sup> فرانسیس بیکن (به انگلیسی: Francis Bacon) (زاده ۲۶ ژانویه ۱۵۶۱ - مرگ ۹ آوریل ۱۶۲۶) فیلسوف، سیاستمدار، دانشمند، حقوق‌دان و نویسنده انگلیسی بود. بسیاری وی را محور اصلی تحول فکری در قرون وسطی می‌دانند تا جایی که او را از بانیان انقلاب علمی می‌شمارند و پایان سلطه کلیسا بر تفکر را به اندیشه‌های او نسبت می‌دهند.

<sup>۵</sup> اخباری‌گری: عمل کننده به کتاب و سنت و نه عقل و اجماع را اخباری می‌گویند که در مقابل این عنوان، اصولی قرار دارد. عنوان «اخباری» یا «اخباریان» در کتاب‌های فقهی متأخر بر گروهی از فقهای شیعه اطلاق می‌گردد که خط مشی عملی آنان در دستیابی به احکام شرعی و تکالیف الهی، پیروی از اخبار و احادیث است، نه روش‌های اجتهادی و اصولی. در مقابل آنان، فقهای معتقد به خط مشی اجتهادی هستند که با عنوان «اصولی» شناخته می‌شوند.



**۴/۱/۲- تولید «نقشه جامع علمی کشور»، دستیابی ایران به تکنوژی‌های برتر دنیا و بالا بودن نرخ «شتاب علمی کشور»، نشانه‌هایی برای عملیاتی شدن تفکر فائق به ضرورت تولید علم در کشور**

نکته‌ی دوم این است که گسترش برنامه‌ریزی‌های علمی در جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر ضرورت تولید علم است. از جمله علائم گسترش این دیدگاه، دستیابی ما برای اولین بار، در طول سالیان اخیر به «نقشه‌ی جامع علمی کشور<sup>۶</sup>» است. هم‌اکنون صدها دانشگاه و مرکز علمی در سراسر کشور، در حال اجرای این نقشه می‌باشند. در ده‌ها مورد ما توانسته‌ایم به Hi<sup>۷</sup>tech<sup>۷</sup> های حساس دنیا دست پیدا کرده و وارد باشگاه‌های

<sup>۶</sup> نقشه‌ی جامع علمی کشور توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، تولید و در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰ توسط رئیس‌جمهور ابلاغ شد.

طبق تعریف، «نقشه جامع علمی کشور» عبارت است از: «مجموعه‌ای، هماهنگ و پویا از اهداف، سیاست‌ها، ساختارها، الزامات برنامه‌ریزی تحول راهبردی علم، فناوری و نوآوری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی ایرانی و آینده‌نگر برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله کشور.»

<sup>۷</sup> فن‌آوری برتر (High Technology): صنایع پیشرفته عبارت است از صنعتی که نقش «علم» از «تجربه» بیشتر است و البته سرعت تحول بالایی دارد؛ عمر یک تکنولوژی پیشرفته ممکن است تنها یک سال باشد در صورتی که در تکنولوژی‌های سنتی، متوسط عمر، بیش از ۱۰ سال است. ضمن اینکه نیروی انسانی که شاید بتوان گفت در صنایع سنتی تا حدودی مورد غفلت بود، ارزشمند شده و تاثیر بالایی در ایجاد ارزش افزوده محصول نهایی دارد.



پنج‌تایی و ده‌تایی این تکنولوژی‌ها در دنیا شویم و اقتدار علمی جمهوری اسلامی را به رخ جهانیان بکشیم. بنابراین نکته‌ی دوم، فضایی است که از آن به «شتاب علمی کشور»<sup>۸</sup> یاد می‌شود.<sup>۹</sup> بنابراین اصل پرداختن به مسئله‌ی علم، از حالت ایده به وضعیت عملیاتی رسیده و هم اکنون برخی از نمونه‌هایی که بیان شد، نمود عملیاتی شدن آن فکر است.

### ۴/۱/۳- آفت‌های دوگانه‌ی فرآیند تولید علم

**نکته‌ی سوم**، آفت‌هایی است که به هنگام بررسی وضعیت علمی کشور، قابل مشاهده است. بعد از یک بررسی مختصر، دو آفت کلی را در فرآیند شتاب علمی کشور، می‌توان مشاهده کرد.

### ۴/۱/۳/۱- «ترجمه‌گرایی»، آفت اول شتاب علمی کشور و تأثر شدید

#### تولیدات علمی از محتوای علوم رایج دنیا در تمام حوزه‌ها

**آفت اول**، گسترش فضای ترجمه‌گرایی در پایان‌نامه‌ها و خروجی کارهای علمی است. به تعبیر دیگر می‌توان گفت: اکثر

<sup>۸</sup> به گزارش روابط عمومی وزارت علوم، سهم ایران از تولید علم، مطابق با آمار Science Metrix تا پایان سال ۲۰۰۹ میلادی و بر اساس ثبت آمار و اطلاعات انتشار

یافته به زبان انگلیسی، بیشترین شتاب را به خود اختصاص داده است.

<sup>۹</sup> البته نگران این مطلب هم هستیم که این شتاب در دولت یازدهم، تضعیف نشود.



پایان‌نامه‌های علمی‌ای که در فضای شتاب علمی کشور نوشته می‌شود، شدیداً تحت تأثیر فضای Scientific<sup>۱۰</sup> رایج دنیا است. این وضعیت در حوزه‌های جامعه‌شناسی، علوم پایه و سایر حوزه‌ها نیز قابل مشاهده است.

**۴/۱/۳/۱/۱- کپی بودن فناوری‌های به دست آمده در حوزه فنی و مهندسی، با وجود افتخار آمیز بودن دستیابی کشور به این فناوری‌ها**

در واقع کارآمدی‌هایی که ما در حوزه فنی کشور، در حال دستیابی به آنها هستیم، به نوعی کپی‌برداری از فناوری‌های است که قبلاً در کشورهای دیگر تولید شده است. البته این اتفاق، باعث افتخار ملت ایران است، اما باطن قضیه این است که قبلاً کسانی این فرآیند را طی کرده و ما هم در حال گذراندن همان مسیر هستیم.





**۴/۱/۳/۱/۲- خطرناک‌تر شدن «ترجمه‌گرایی»، متعاقب سرایت این روند در حوزه‌ی علوم انسانی، به علت پیش‌فرض بودن مبانی ارزشی هر جامعه در تولیدات علوم انسانی و عدم وجود قطعی پیش‌فرض‌های دینی ما در علوم انسانی تولید شده در دنیای غرب**

این موضوع هنگامی خطرناک‌تر می‌شود که این روش کار، به حوزه‌های علوم انسانی تعمیم داده شود. موضوع علوم انسانی، انسان، تحلیل جامعه و مسائل مرتبط با انسان است و در یک جمله می‌توان گفت: پیش‌فرض‌های حاکم بر فرآیند تولید علم در این حوزه، کاملاً انسانی است. اگر ما مسامحتاً بپذیریم که در حوزه‌ی فنی و تکنیکی، از مدل‌های موجود استفاده کنیم<sup>۱۱</sup>؛ اما در حوزه‌ی علوم انسانی، نمی‌توانیم نسبت به نظام ارزشی خودمان در جامعه، بی‌توجه باشیم. بنابراین ورود ترجمه در حوزه‌ی علوم انسانی، به معنای تغییر در نظام ارزشی جامعه است. زیرا حوزه‌ی علوم انسانی به شدت متأثر از یک سری پیش‌فرض‌های خاص است و یقیناً در جوامعی که محل تولد



<sup>۱۱</sup> البته در مورد همین مسئله هم اتفاق نظر وجود ندارد و دیدگاه‌هایی در این مورد نیز مناقشه می‌کنند که حتی در حوزه‌های فنی هم نباید از روش‌های غیردینی استفاده شود.

تئوری‌های علوم انسانی است، پیش‌فرض‌های دینی ما، به هیچ عنوان وجود ندارد.

**۴/۱/۳/۱/۲/۱- وجود مکاتب مختلف در رشته‌های گوناگون علمی در دنیای غرب، گواهی بر فقدان دیدگاهی ثابت (تشتت آراء و اتکای تئوری‌های تولید شده به پیش‌فرض‌های گوناگون) و استفاده از علوم غربی بدون توجه به پیش‌فرض‌های این علوم، با کمال تعجب در ایران**

وقتی شما در نظریه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد و سایر حوزه‌ها دقت می‌کنید، متوجه می‌شوید که در این رشته‌ها، مکاتب مختلفی وجود دارد. این بدان معناست که در دنیای غرب هم -که مثلاً هفت نظریه در یک رشته وجود دارد- هر کدام از این نظریات و مکاتب، بر اساس پیش‌فرض‌های متفاوتی به وجود آمده و در آن کشورها هم نظریه‌ی ثابتی وجود ندارد. از عجیب‌ترین عجایب این است که در ایران، تئوری‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی و ... غربی، بدون توجه به پیش‌فرض‌های آنها، مورد استفاده قرار گرفته و زمینه برای به



پذیرش رساندن این پیش‌فرض‌ها، توسط هژمونی دنیای غرب، فراهم می‌شود.<sup>۱۲</sup>

بنابراین ما در فرآیند شتاب علمی کشور، نمی‌توانیم به خطر ترجمه‌گرایی - که در نهایت موجب تغییر و نادیده‌گرفته‌شدن نظام ارزشی جامعه می‌شود - توجه نکنیم.

**۴/۱/۳/۲ - باقی بودن نیروهای ارزشی و معتقد به فساد مبانی علوم ترجمه‌ای در نقد مبانی علوم سکولار و توقف در سطح مباحث کلی و غیر کاربردی، زمینه ساز بازسازی علوم سکولار و هماهنگ شدن این علوم با بوم ایران و اثبات ناکارآمدی مبانی دینی در تولید معادلات اداره‌ی جامعه (آفت دوم ترجمه‌گرایی)**

**آفت دوم** هنگامی قابل مشاهده است که می‌بینیم یک سری فعالیت‌ها در مقابله با فرآیند ترجمه‌گرایی شروع شده و به نوعی جریان‌های دغدغه‌مند، پذیرفته‌اند که ترجمه‌گرایی، آفت است و باید با آن مقابله شود؛ اما در عین حال مشاهده می‌کنیم

---

<sup>۱۲</sup> در این قسمت ممکن است پرسیده شود که استدلال شما برای این مطلب که با روش‌های غربی و سکولار، نمی‌توان به نحو صحیح، جامعه را اداره کرد، چیست؟ در این نوشته، بطلان دیدگاه‌ها و روش‌های سکولار به انسان و اداره‌ی جامعه، به عنوان پیش‌فرض گرفته شده است، اما شما می‌توانید به صورت مختصر، استدلال شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در این مورد را در **پیوست** پایان جزوه، مشاهده نمایید.



که روش‌های طرح مسئله‌ی ایشان، منحصر به **مبانی** است. در یک کلام می‌توان گفت: فعالیت‌های این جریان‌ها، هنوز به **کاربرد** نرسیده و در حد کلی‌گویی و مطرح کردن مطالب غیرکاربردی، محدود شده است. نتیجه این‌که در یک آینده‌ی میان‌مدت - و نه حتی بلندمدت - نگاه سکولار، خود را متناسب با بوم ایران، بازسازی کرده و از غیرکاربردی بودن مباحث دینی، این مطلب را به اثبات می‌رساند که دستگاه دینی، قابلیت طراحی‌های اجتماعی را ندارد<sup>۱۳</sup>.

#### خلاصه مطلب:

در ابتدای این فصل، **علم** به عنوان ابزار رسیدن به **توازن** معرفی شد. به منظور رسیدن به این هدف، نقشه‌ی جامع علمی کشور تعریف شده است؛ که تمام نهادهای علمی کشور، موظف

<sup>۱۳</sup> یکی از اندیشمندان و شبه‌روشنفکران داخلی، در سیمای شبکه‌ی چهار و در یک مناظره پرسیدند که بعد از گذشت سی سال از انقلاب، اقتصاد و مدیریت اسلامی کجاست؟ نتیجه‌گیری او بعد از مطرح کردن این سؤالات این بود که فقه اسلامی قدرت تولید این مباحث را ندارد. البته ممکن است شما بگویید که هم اکنون ابتدای کار است، اما اگر ما نتوانیم فضای کلی را مدیریت کرده و مبانی دینی را به کاربرد برسانیم، فرصت برای طرفداران مکاتب علوم انسانی غربی باز شده و آنها می‌توانند خود را در فضای مناسب‌تری مطرح کنند.



به حرکت، مبتنی بر این نقشه‌ی جامع می‌باشند. اما در ادامه، آسیب‌های مترتب بر این روند بیان شد که این آسیب‌ها عبارتند از: افتادن در دام ترجمه‌گرایی و استفاده از روش نقد مبانی به هنگام مقابله با روند ترجمه‌گرایی. در فصل آینده به تبیین راهبردهای چندگانه‌ی مقابله با ترجمه‌گرایی و آسیب‌شناسی این راهبردها و همچنین معرفی دیدگاه شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در این زمینه خواهیم پرداخت.





# سرورس

- پایه سؤال: مدیریت دوران فترت
- شرح سؤال: معطل ماندن موضوعات جهت‌ساز جامعه و پردازش این موضوعات با معادلات سکولار
- رکن اول سؤال: ایجاد فرصتِ بازسازی برای دیدگاه سکولار
- رکن دوم سؤال: ایجاد تأملِ عمومی بر روی مبانی علوم سکولار و فراهم‌شدن زمینه‌ی «اصلاح قرائت دینی» در جامعه





## پروش

### ۲- «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»، دیدگاه سوم در کنار دو دیدگاه معتقد به مبانی دینی، در فضای تولید علم

نظریه‌ی «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» قصد دارد، پیوستگی را به فعالیت‌های علمی جبهه‌ی گسترده‌ی انقلاب اسلامی - که اصل مسموم بودن مکاتب فکری بشر در حوزه‌ی علوم انسانی را پذیرفته، اما هنوز نتوانسته مبانی خود را به کاربرد برساند - الصاق نماید.

۲/۱- جلوگیری از طرح مجدد تئوری‌های سکولار در خلاء ایجاد شده در فاصله‌ی زمانی لازم برای ارتقای مبانی دینی به معادلات کاربردی، به وسیله‌ی «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» (دغدغه‌ی اصلی دیدگاه سوم) و ایجاد فرصت لازم برای تبدیل مبانی نظری صدرایی و ... در صورت امکان، به معادلات کاربردی (دیدگاه اول) و یا جمع بندی بحث به لزوم تولید مبانی جدید دینی برای تولید معادلات کاربردی و ناکارآمد بودن مبانی صدرایی و ... (دیدگاه دوم)، نتایج دوگانه‌ی مدیریت دوران فترت (فقدان معادلات دینی) به وسیله‌ی «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»

این حرف به این معنا نیست که مباحث علمی‌ای که بر اساس مبانی دینی در حال تولید است، به کاربرد نخواهند رسید، بلکه منظور ما این است که زمان لازم برای به کاربرد رسیدن

تئوری‌های انقلابی، نباید به شکلی باشد که فرصت طرح مجدد، برای تئوری‌های سکولار را فراهم نماید. اگر ما بتوانیم زمان لازم برای به کاربرد رسیدن مبانی دینی -از جمله مبانی صدرایی و ...- را مدیریت نماییم؛ در این صورت این مبانی خواهند توانست خود را از سطح مبانی به سطح کاربرد نزدیک نمایند. اگر این اتفاق بیافتد، بسیار خوب است و ما توانسته‌ایم پاسخی کاربردی را بر اساس این مبانی، در حوزه‌ی علوم انسانی به مسائلمان بدهیم. مثلاً خواهیم توانست بر اساس نگاه **صدرایی**<sup>۱۴</sup>، مسئله‌ی طلاق و یا سایر مسائل اجتماعی را تحلیل کنیم. البته ممکن است فضای علمی به این نتیجه برسد که این مبانی (صدرایی و ...) به کاربرد نخواهند رسید و نیازمند تولید

<sup>۱۴</sup> مکتب ملاصدرا که «حکمت متعالیه» نامیده می‌شود، بر اصل «وجود» و تمایز آن از «ماهیت» استوار است. بنابر دیدگاه او، بدیهی‌ترین مسئله‌ی جهان، مسئله‌ی وجود یا هستی است که ما با علم حضوری و دریافت درونی خود، آنرا درک کرده و نیازی به اثبات آن نداریم. اما ماهیت، آن چیزی است که سبب گوناگونی و تکثر پدیده‌ها می‌شود و به هر وجود، قالبی ویژه می‌بخشد. همه‌ی پدیده‌های جهان در یک اصل مشترکند که همان «وجود» نام دارد و وجود، یگانه‌است؛ زیرا از هستی‌بخش (یعنی خداوند یگانه) سرچشمه گرفته، اما ویژگی‌های هر یک از این پدیده‌ها از تفاوت میان ذات و ماهیت آنها حکایت دارد. بنا بر این دیدگاه، اصل بر وجود اشیاء است و ماهیت، معلول وجود به شمار می‌آید. «محمد رضا فشاھی، ارسطوی بغداد، از عقل یونانی به وحی قرآنی، انتشارات کاروان، ۱۳۸۰، ص ۴۷»



مبانی دیگری - که به کاربرد نزدیک تر است - هستیم. بنابراین اولین دغدغه‌ی «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» این نیست که فعالین حوزه‌ی علوم دینی، متوجه اصل مسئله نیستند؛ بلکه اولین دغدغه‌اش این است که در فضای ایجاد شده به منظور اندیشه‌ورزی و نیل دیدگاه‌های رایج به کاربرد، نگاه‌های سکولار فرصت طرح مجدد و بازسازی را پیدا نکنند. بنابراین در یک جمله می‌توان گفت: نظریه‌ی «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»، فرصت بازسازی نگاه سکولار، در خلاء زمانی به وجود آمده در اثر طراحی تئوری‌های جدید دینی را سلب می‌نماید. سؤال اساسی این است که چگونه باید صحنه را مدیریت نماییم تا بازسازی نگاه سکولار اتفاق نیافتد؟ بنابراین می‌توان گفت: نتیجه‌ی مدیریت دوران فترت<sup>۱۵</sup> (فقدان نظریه‌پردازی) دو چیز است؛ یا محصولات دستگاه علمی موجود، وارد صحنه شده و موازنه‌ی علمی دستگاه نظریه‌پردازی مبتنی بر نگاه اسلامی را نسبت به طرف مقابل (نگاه سکولار) عوض می‌کند، که این بسیار خوب است و یا فرصت لازم برای

<sup>۱۵</sup> فترت (از عربی: سستی یا کندی) به معنی فاصله و وقفه میان دو دوره است.



بازسازی مبانی (تولید مبانی جدید) و کاربردی کردن آنها به وجود می‌آید. علت مطرح کردن دو احتمال این است که هم اکنون در این زمینه دو دیدگاه اصلی وجود دارد. **دیدگاه اول** معتقد است که مبانی موجود، قدرت پاسخ‌گویی به مسائل علمی را دارد و **دیدگاه دوم** بر این باور است که ما نیازمند بازسازی و تولید مبانی علمی جدید، بر اساس ادبیات وحی هستیم.

**۲/۱/۱- تحذیر دو دیدگاه دیگر نسبت به ایجاد فرصت مناسب برای**

**بازسازی دیدگاه سکولار به هنگام اشتغال این دو دیدگاه در راستای تفاهم با یکدیگر**

قصد ما قضاوت میان این دو دیدگاه نیست، بلکه قصد ما تحذیر و توجه این دو دیدگاه نسبت به این مطلب است که وقتی آنها مشغول تفاهم با یکدیگر هستند، فرصت مناسبی برای بازسازی و توسعه‌ی نگاه سکولار به وجود می‌آید.



۲/۱/۱/۱- «ایده‌ی سیاست خارجی توسعه‌گرا» جمع‌بندی دیدگاه سکولار (با نگاه اگنومیک به انسان، محوریت جامعه بر اقتصاد و نگاه مادی به تاریخ) ارائه شده در شرایط بین‌المللی خاص و تحریم‌های وضع شده علیه ایران (مشکلات معطل و نیازمند تئوری) و استفاده از خلاء تئوریک نیروهای انقلابی معتقد به فاسد بودن مبانی علوم سکولار و در نهایت، مبنای عمل قرار گرفتن این تئوری در سیاست خارجی ایران

با ذکر چند مثال به تبیین بیشتر مسئله می‌پردازیم. یکی از مبرزترین حوزه‌های علوم انسانی، حوزه‌ی سیاست خارجی است.<sup>۱۶</sup> ما در این حوزه، نیازمند تئوری‌های پشتیبان، تاکتیک و راهبرد مشخص برای مدیریت دستگاه سیاست خارجی هستیم. در شرایطی که نگاه کلی و غیرکاربردی، حاکم بر فضای علمی کشور است<sup>۱۷</sup>، خلاء غیرکاربردی بودن نظریات در عرصه‌های مختلف -از جمله در عرصه‌ی سیاست خارجی- به وجود می‌آید. در این شرایط دیدگاه سکولار، که نگاهش به انسان یک موجود اگنومیک<sup>۱۸</sup> و نگاهش به جامعه، اقتصاد محور و نگاهش به

<sup>۱۶</sup> علت ذکر این مثال این است که ما در این حوزه (سیاست خارجی) نیاز شدیدی به نظریه‌پردازی احساس می‌شود.

<sup>۱۷</sup> البته تأکید می‌کنم که این نگاه ممکن است بعداً قابلیت کاربردی شدن، داشته باشد، ممکن هم هست که نداشته باشد و ما نیازمند بازسازی مبانی شویم.

<sup>۱۸</sup> Economic: اقتصادی



تاریخ **مادی** است؛ از فضای تقابل جمهوری اسلامی ایران با محیط بین‌الملل و تحریم‌های وضع شده علیه ایران، استفاده کرده و نظریه‌ی خود را تحت اصطلاح «**سیاست خارجی توسعه‌گرا**»<sup>۱۹</sup> تئوریزه می‌نماید. این نظریه هم‌اکنون مبنای تعامل دستگاه سیاست خارجی در محیط بین‌الملل است.

---

<sup>۱۹</sup> **سیاست خارجی توسعه‌گرا** همان گونه که از نام آن برمی‌آید، رسالت اصلی خود را به زمینه‌سازی برای تحقق فرایند توسعه پایدار تعریف می‌کند. به بیان دیگر، چنین سیاستی، در واقع، یکی از ابزارهای اصلی دولت توسعه‌گرا جهت عینیت بخشی به اهداف خود می‌باشد. به طور کلی، در سیاست خارجی توسعه‌گرا، اصل بر **همکاری** و هماهنگی در عرصه روابط بین‌الملل است. البته اصالت یافتن همکاری در این سیاست همان‌طور که از تنش و تقابل با نظام بین‌الملل پرهیز می‌کند، به معنای وادادگی و پذیرش وضع موجود در عرصه بین‌المللی نیست، بلکه با استفاده از قواعد بین‌المللی و با ایجاد اجماع و هدفمند، با کشورهای همسو و در راستای منافع و اهداف کشور گام برمی‌دارد. «بخشی از کتاب الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، تألیف معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶»



۲/۱/۱/۱- بازسازی مجدد نگاه سکولار و مبنای عمل قرار گرفتن این معادلات (مثلاً در عرصه ی سیاست خارجی)، با وجود اطمینان نیروهای انقلابی نسبت به فاسد بودن مبانی علوم سکولار و بی تأثیر بودن مؤسسات تخصصی نقد مبانی علوم غربی (همانند مؤسسه امام خمینی علیه السلام) به علت به طول انجامیدن فرآیند کاربردی شدن مبانی دینی در این مؤسسات و اجبار نظام به مدیریت راهبرد خلاف «جهت حرکت انقلاب اسلامی» دولت (تعامل با ابرقدرت‌ها)، از طریق راهبرد «نرمش قهرمانانه»

با اینکه از اول انقلاب تاکنون علی‌الخصوص در دوران زعامت آیت‌الله امام‌خامنه‌ای دامنه‌الله - تقریباً این مسئله که مبانی علوم انسانی غرب ضعف دارند، تبدیل به یک گفتمان شده و به پذیرش رسیده بود، اما مشاهده می‌کنیم که بازهم مبانی سکولار، خود را بازسازی کرده و مبنای عمل دولتمردان قرار گرفته است. کمتر نیرویی از نیروهای انقلاب را می‌توانستید مشاهده کنید که نسبت به فساد حاکم بر مبانی علوم انسانی غربی، هشدار ندهد. در همین راستا، مؤسسات و پژوهش‌گاه‌های متعددی هم راه‌اندازی گردید، از جمله مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام در قم<sup>۲۰</sup>، که سابقه‌ای ۲۰ ساله را در



<sup>۲۰</sup> موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، نام مجموعه‌ای آموزشی برای تحصیل دانشجویان و طلبه‌های شیعه است که در سال ۱۳۷۴ پایه‌گذاری شد. این موسسه آموزشی و پژوهشی زیر نظر آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی کار می‌کند. کتابخانه و مرکز

نقد مبانی علوم سکولار، در کارنامه‌ی خود ثبت کرده است. اما به علت به طول انجامیدن فرآیند **کاربردی‌شدن** علوم انسانی اسلامی در این مؤسسات و همچنین به علت وجود مسائل **معطل** و فاقد نظریه در جامعه، نگاه سکولار - با وجود اینکه فساد مبانی‌اش اثبات شده بود - از این خلاء تئوریک حداکثر استفاده را کرده و خود را بازسازی نمود. تاجایی که در کمال ناباوری مشاهده می‌کنیم که همین نگاه، مبنای تعامل قرار گرفته و نظام هم تاکتیک «**نرمش قهرمانانه**»<sup>۲۱</sup> را برای

---

اسناد آن در سال ۲۰۰۶ میلادی شامل بیش از شصت هزار جلد کتاب فارسی و عربی و نزدیک به بیست هزار جلد کتاب انگلیسی بوده است. «وبگاه رسمی مؤسسه به آدرس [www.iki.ac.ir](http://www.iki.ac.ir)»

<sup>۲۱</sup> ما تعبیر "نرمش قهرمانانه" را به کار بردیم؛ یک عده‌ای آن را به معنی دست برداشتن از آرمانها و هدفهای نظام اسلامی معنا کردند؛ بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اسلامی را به عقب‌نشینی از اصول خودش متهم کنند؛ اینها خلاف بود، اینها بدفهمی است. نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛ به معنای این است که سالک راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سمت آرمانهای گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت میکند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود. **وَمَنْ يُؤَلِّمْ يَوْمَئِذٍ دَبْرَهُ أَلَا مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مَتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فُقِدَ بَاءٌ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ**؛ هرگونه حرکتی - چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب - مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده باشد. اهدافی وجود دارد؛ نظام اسلامی در هر مرحله‌ای یکی از این اهداف را دنبال میکند، برای پیشرفت، برای رسیدن به نقطه‌ی تعالی و اوج، برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی؛ باید سعی کند به این هدف در این مرحله برسد. البته





مدیریت این تئوری خلاف «جهت حرکت انقلاب اسلامی»<sup>۲۲</sup> مبنای کار خود قرار داده است.

**۲/۱/۱/۱/۱- شروع نقد معادلات سکولار از پیش فرض های فلسفی (مثلاً تکیه بر روی منجر نشدن توسعه به تکامل) در شرایط درگیری مردم با مشکلات اجتماعی (مثلاً عدم تأمین معیشتان)، روشی حتی ناکارآمدتر از شروع بحث از نقد مبانی و ناکارآمد در ایجاد تأمل عمومی نسبت به مسائل**

روشی که بدتر از نقد مبانی است، شروع بحث از پیش فرض های فلسفی است. در این صورت مثلاً باید گفته شود

مرحله‌گذاری است، قطعه قطعه است. راهنمایان و هادیان و متفکران و مسئولان مربوط، این قطعات را معین میکنند، هدفگذاری میکنند، حرکت جمعی آغاز میشود. همه باید تلاش کنند که هر حرکتی در هر مرحله‌ای به اهداف خودش برسد. این آن نظام صحیح حرکت منطقی است. این را همه‌ی فعالان عرصه‌ی سیاست و مدیریت کلان کشور باید همواره به یاد داشته باشند؛ آحاد مردم، شما عزیزان بسیجی - فعالان عرصه‌ی بسیج - هم باید این را همواره به یاد داشته باشید. «بیانات آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹»

<sup>۲۲</sup> «جهت حرکت انقلاب اسلامی»، یکی از اصطلاحات مطرح در «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» است. این اصطلاح از سه بخش مبنای انقلاب اسلامی، مراحل تحقق مبنای انقلاب اسلامی و موضوعات انتقال مبنای انقلاب اسلامی تشکیل شده است. طبق این تعریف، مبنای انقلاب اسلامی، «نظام‌سازی اسلامی» است و مراحل تعریف شده برای تحقق مبنای انقلاب، شامل پنج مرحله با نام‌های «انقلاب اسلامی»، «نظام اسلامی»، «دولت اسلامی»، «جامعه‌ی اسلامی» و «تمدن اسلامی» است. ما هم اکنون در مرحله‌ی دولت اسلامی هستیم و موضوع انتقال از این مرحله به مرحله‌ی جامعه‌ی اسلامی، مسئله‌ی «الگوی پیشرفت اسلامی» است.



که توسعه منجر به تکامل نمی‌شود. به این نکته توجه داشته باشید که چنین مباحثی در شرایطی مطرح می‌شود که مردم با مشکلات اجتماعی و عدم تأمین موضوعات جهت‌سازشان درگیر بوده و تمام توانشان صرف تأمین این موضوعات می‌شود. به عنوان مثال مردم در تأمین معیشتشان دچار مشکل هستند، بنابراین اصلاً توجهی به چنین مباحث فلسفی‌ای ندارند تا شما بتوانید بر روی این مسائل، به عنوان پایه تأکید کرده و آنها را به تأمل وادارید. بنابراین مخاطبین این روش، به افراد اندکی که با این پیش‌فرض‌ها آشنايند، محدود می‌شود.

**۲/۱/۱/۲- تعریف انسان و نیازهایش به صورت غیرالهی (مثلاً تحت هرم نیازمندی‌های مازلو) در معادلات اقتصادی سکولار اداره‌کننده اقتصاد ایران و تعریف مادی از جامعه با محور قرار دادن اقتصاد برای جامعه و تعریف آب و آبادانی در نگاه سکولار، به عنوان محور شکل‌گیری تمدن**

به بیان مثالی دیگر، در حوزه اقتصاد می‌پردازیم. همان‌طور که همه اذعان دارند، مبانی معادلات اقتصادی‌ای که هم اکنون در حال مدیریت اقتصاد کشور است، انسان و نیازهایش را الهی



تعریف نکرده و مثلاً او را تحت «هرم نیازمندی‌های مازلو»<sup>۲۳</sup> و یا سایر نظریات تعریف می‌کند. در یک کلام می‌توان گفت: تعریف انسان در اقتصاد رایج، یک تعریف سکولار است. تعریف رایج از جامعه هم، سکولار و مادی است، زیرا محور جامعه را اقتصاد در نظر می‌گیرند و حتی تعریفی که در دنیای غرب از تاریخ ارائه می‌شود، مادی و بدون در نظری گرفتن جنبه‌های الهی بشر است. نگاه سکولار به حدی نفوذ یافته و در جنبه‌های مختلف جامعه ریشه دوانده است که حتی در کتب درسی، محور شکل‌گیری تمدن را وجود آب و آبادانی ذکر کرده‌اند.



<sup>۲۳</sup> هرم سلسله مراتب نیازهای مازلو: یا به طور خلاصه هرم مازلو، نظریه آبراهام مازلو نظریه پرداز کلاسیک مدیریت، در مورد نیازهای اساسی انسان است. این نظریه در میان بینش‌های حاصل از جنبش روابط انسانی در مدیریت مقارن با دوران رکود اقتصادی بزرگ غرب از اهمیت ویژه برخوردار بوده و نظریه‌ای بنیادین محسوب می‌شود. «رضائیان، علی؛ مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سمت، ۱۳۷۹، اول، ص ۱۰۴»



۲/۱/۱/۲/۱- انتقاد به دیدگاه در نظر گیرنده‌ی آب به عنوان متغیر اصلی در تشکیل تمدن و نقد دیدگاه تعریف انسان به «حیوان ناطق» با تعریف انسان به «حی متآله» و نقد دیدگاه «اقتصادمحور» به جامعه با در نظر گرفتن «عبادت» به عنوان محور جامعه (محورهای نقد دیدگاه سکولار و ارائه تعاریف دینی معادل) با آسیب تبدیل نشدن این تعاریف به معادله

در مقابل جریان سکولار، جریان منتقدی به وجود آمد، که معتقد بود شکل‌گیری تمدن را نمی‌توان فقط به صورت مادی و به محوریت آب تعریف کرد. ممکن است بتوان آب و آبادانی را به عنوان یک متغیر فرعی و مکمل در نظر گرفت، اما باید توجه داشت که این یک متغیر اصلی و بنیادین نیست. همچنین این جریان، جامعه را به محوریت عبادت و نه اقتصاد تعریف کرد. دیدگاه این جریان در حوزه‌ی انسان‌شناسی این بود که انسان، حیوان ناطق نیست، بلکه انسان، حی متآله است. اما به هر حال این تعاریف در حوزه‌ی مبانی، نتوانستند خود را به معادله تبدیل نمایند.



۲/۱/۱/۲/۱/۱- بازسازی نگاه سکولار به اقتصاد و مطرح کردن «مدیریت اقتصادی»، «تئوری نهادگرایی» و «دولت رفاه» (با کارگرد توزیع درآمد، بهتر از سایر نظریات) به عنوان الگوهای اقتصادی و مبنای عمل قرار گرفتن این نظریات، نتیجه‌ی به معادله نرسیدن تعاریف دینی

از طرف دیگر، مشکلات اقتصادی و سیاسی -مانند تورم که و یا تحریم‌ها که از اوایل انقلاب وجود داشته و اخیراً تشدید شده‌اند- نیازمند راه حل بودند. در حوزه‌ی اقتصاد هم -همانند سیاست خارجی- با وجود اینکه ضعف مبنای آشکاری در معادلات سکولار به چشم می‌خورد، تئوری‌های این حوزه خود را بازسازی کرده و مجدداً مبنای عمل قرار گرفتند. مثلاً می‌شنویم که می‌گویند: قرار است نگاه «مدیریت اقتصادی»<sup>۲۴</sup> به توسعه و



<sup>۲۴</sup> نظریه اقتصادی / Contingency theory: این نظریه توسط آقای استوندر سال ۱۹۹۵ مطرح شد. این نظریه بیان می‌دارد که در مدیریت چیزی به نام بهترین شیوه وجود ندارد. هیچ برنامه، ساختار سازمانی، سبک رهبری، شیوه کنترل و ... که متناسب با همه موقعیت‌ها باشد در بین نیست. بلکه مدیر باید طرق مختلفی که متناسب با موقعیت‌های مختلف باشد را جستجو و پیدا کند.

در واقع ضرورت مدیریت بر مبنای اقتضا از این واقعیت نشأت می‌گیرد که عملکرد مدیر در هر زمان باید با توجه به موقعیت و مجموعه شرایط فعالیت وی ارزیابی شود. وظیفه نظریه و علم، تجویز یک عمل برای یک وضعیت خاص نیست، بلکه یافتن روابط بنیادی، فنون اساسی و سازماندهی دانش موجود بر مبنای مفاهیمی روشن است، زیرا نحوه کاربرد فنون مذکور در عمل به وضعیت بستگی دارد. از این رو تأکید می‌شود که مدیریت مؤثر همواره بر مبنای شناخت مقتضیات تحقق می‌پذیرد. (رضاییان، علی (۱۳۷۹)،



یا «تئوری نهادگرایی»<sup>۲۵</sup> مبنای برنامه‌ریزی در حوزه‌ی اقتصاد قرار گیرد. بعضی هم می‌گویند که بهترین تئوری برای کشور ما، «تئوری دولت‌های رفاه»<sup>۲۶</sup> است. زیرا در این مدل به نوعی در بخش سلامت و بعضی از بخش‌ها، عدالت به معنای «توزیع درآمد»<sup>۲۷</sup> مناسبت‌تر از سایر تئوری‌ها در نظر گرفته می‌شود.

<sup>۲۵</sup> نهادگرایی (Institutionalis): یک نوع تجزیه و تحلیل اقتصادی است که نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تعیین وقایع اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. این حرکت از اواخر قرن ۱۹ به‌ویژه در میان اقتصاددانان آمریکایی بروز نمود. اولین اقتصاددانان در این رابطه، تورستین ویبلن (Torstein Veblen: 1862-1925)، جان راجر کامونز (John Roger Commons: 1862-1945) و وزلی میچل (Wesley Mitchell: 1876-1948) بودند. این نگرش در عین حال نقدی بر اقتصاد نئوکلاسیک است؛ که به‌نظر نهادگرایان، عناصر و فضاهای غیر اقتصادی که افراد در آن تصمیم می‌گیرند را نادیده می‌گیرد. (دادگر، بدالله؛ تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۳، چاپ اول)

<sup>۲۶</sup> دولت رفاه (به انگلیسی: Welfare state) دولتی است که در آن تامین و بهبود رفاه عمومی وظیفه قانونی نهادهای قدرت است. در این نظام اقتصادی دولت به همه کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه‌های خود را تامین کنند باری‌رسانی می‌کند. این کار از طریق پرداخت مستمری (حداقل درآمد) و یا کمک‌های نقدی دیگر انجام می‌شود. (حقیق اغضان، علی؛ دانشنامه در علم سیاست، تهران، فرهنگ صبا، ۱۳۸۴، ص ۴۰۳)

<sup>۲۷</sup> توزیع درآمد (به انگلیسی: Distribution of wealth)، در مباحث قدیمی اقتصاد سیاسی، از اهمیتی اساسی برخوردار است. منظور این است که درآمد حاصل از تولید چگونه میان عوامل تولید تقسیم می‌گردد یا هر یک از بخش‌های اقتصادی به چه میزان سهم می‌برند. توزیع نابرابر عوامل تولید، طبیعتاً باعث توزیع نامناسب درآمد نیز خواهد شد. بنابراین باید قبل از تولید، به منظور عادلانه کردن توزیع درآمد، باید عوامل تولید به صورت عادلانه و برابر میان افراد و بنگاه‌های اقتصادی مختلف توزیع گردد.



**۲/۱/۱/۲/۱/۱/۱- سؤال از علت ایجاد فرصت، برای طرح مجدد تئوری های سکولار در غیاب تئوری های اسلامی، با وجود آگاهی نیروهای حزب اللهی نسبت به فساد مبانی نظری این تئوری ها و مشاهده ای اقبال عمومی به معادلات سکولار**

سؤال این است که چرا با وجود آگاهی نیروهای حزب اللهی به ضعف مبانی این تئوری ها، باز هم این فرصت به آنها داده می شود تا خود را مطرح و بازسازی نمایند؟ چرا با وجود اینکه ما می دانیم پیش فرض های این تئوری ها فاسد است، اما باز هم این تئوری ها با امکانات جمهوری اسلامی مطرح شده و پرچم دار حل مشکلات کشور می شوند؟ حتی مشاهده می کنیم که این تئوری ها، در غیاب تئوری های انقلابی، با اقبال عمومی هم مواجه می شوند.

**۲/۱/۱/۲/۱/۱/۱- ایجاد خلاء تئوریک در فاصله ای زمانی لازم برای به کاربرد رسیدن مبانی اسلامی و پرکردن این خلاء به وسیله نظریه «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»**

حرف اصلی بر اساس «اولین نقشه ای راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» این است که در فاصله ای که مبانی انقلاب و نیروهایش نیاز دارند تا به کاربرد برسند، مدیریت تحولات بر اساس تئوری های سکولار، بازسازی، طراحی و پی گیری می شود.



نظریه‌ی «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» برای پرکردن این خلاء مطرح شده است.

**۲/۱/۲- پاسخ گویی نگاه سکولار به «موضوعات جهت‌ساز» جامعه، در فضای خلاء تئوریک دیدگاه اسلامی (عدم توجه به «مدیریت تحولات») و ایجاد زمینه‌ی تأمل جامعه بر روی مبانی نظری سکولار، به معنای زمینه‌سازی برای تغییر نگرش جامعه و حرکت به سمت «اصلاح قرأنت دینی» (نتیجه‌ی مبنای عمل قرار گرفتن تئوری‌های سکولار)**

نگاه سکولار از فقدان نظریه‌پردازی بر اساس نگاه اسلامی، استفاده کرده و به نوعی چون پاسخگوی «موضوعات جهت‌ساز»<sup>۲۸</sup> جامعه است، زمینه‌ی تأمل جامعه را بر روی مبانی خودش، ایجاد می‌کند. بنابراین زمینه‌ساز تغییر نگرش جامعه می‌شود. نکته‌ی قابل توجه این است که عدم توجه به مسئله‌ی مدیریت تحولات در حوزه‌ی علم، تنها به معنای

<sup>۲۸</sup> موضوعات جهت‌ساز: به موضوعاتی که گفته می‌شود که هم اکنون مبتلابه جامعه بوده و یک مسئله‌ی غیر قابل انکار است. همچنین ویژگی دوم این موضوعات، قابل ترجمه‌بودن آنها به «جهت‌گیری صحیح» است. به این معنا که می‌توان با پایه قرار دادن این موضوعات، زمینه‌ی ایجاد تأمل عمومی نسبت به بطلان جهت‌گیری فعلی و لزوم به کارگیری جهت‌گیری صحیح را ایجاد کرد. ویژگی سوم این موضوعات، مشارکت‌پذیری آنهاست به این معنا که به مجرد مطرح شدن آنها، جمعیت‌هایی علاقه‌مندی خود را برای پی‌گیری این موضوعات، اعلام می‌نمایند.





استفاده‌ی ما از تئوری‌های سکولار، در دوران گذار نیست، بلکه در واقع به همان میزانی که آنها (نگاه سکولار) راجع به مسائل جامعه - خصوصاً مسائل جهت‌ساز - نظریه‌پردازی می‌کنند، در اصل فرصت تأمل جامعه را بر روی مبانی خودشان دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر، به این ترتیب زمینه‌ی سکولار شدن جامعه در حوزه‌ی اندیشه، فراهم شده و به سمت «اصلاح قرائت دینی»<sup>۲۹</sup> حرکت می‌کنیم. راه‌حلی که فعالین علمی برای جلوگیری از چنین انحرافات مطرح می‌کنند، تلاش برای کاربردی کردن مبانی اسلامی است؛ اما سؤال ما این است که در این دوران فترت، تکلیف «مدیریت تحولات»<sup>۳۰</sup> چه می‌شود؟



<sup>۲۹</sup> اصلاح قرائت دینی به معنای اصلاح نمودن احکام و مسائل دینی به نحوی است که حداقل اصطکاک میان احکام اسلامی و ارکان توسعه‌یافتگی و مدرنیته به وجود آید.

<sup>۳۰</sup> مدیریت تحولات کشور باید در دست نخبگان دانشگاهی و حوزوی باشد و در این روند، علاوه بر معیارهای جهانی پیشرفت، معیارهای نو و ملاک‌های ویژه نظام اسلامی مورد توجه اکید قرار گیرد. «بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار با دانشگاهیان سمنان»

۲/۱/۲/۱- القای برتر بودن مبانی و کاربردی تر بودن معادلات سکولار به وسیلهی پردازش عینی «موضوعات جهت‌ساز» جامعه (پاسخ گویی عملی به مسائل، با قدرت نگرش سازی بالا) و برداختن نیروهای انقلابی به نقد مبنایی و طرح مباحث تئوریک (کارهای غیر عملیاتی، با قدرت نگرش سازی بسیار کم)

نکته‌ی مهم این است که نگاه سکولار، با به رخ کشیدن کارآمدی معادلات خود و حل مشکلات اجتماعی، سعی در القای برتر بودن مبانی و کارآمدتر بودن معادلات خود دارد. در این شرایط، نیروهای انقلاب، مدام به نقد دیدگاه‌های سکولار به صورت نظری، در سطح مبانی می‌پردازند! آنچه مسلم است اینکه، دیدگاه سکولار به علت «پردازش<sup>۳۱</sup>» موضوعات جهت‌ساز، بر اساس مبانی خود، سطح بسیار بالاتری از نگرش‌سازی را در جامعه، از آن خود می‌سازد. همان‌طور که می‌دانید، سطح نگرش‌سازی در مباحث نظری، به هیچ عنوان با سطح نگرش‌سازی در پردازش عینی مسائل، قابل مقایسه

<sup>۳۱</sup> پردازش: یکی از اصطلاحات «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» است. در تعاریف نقشه‌ی راه، «الگوی ساخت نظامات اسلامی» از سه بخش «پژوهش»، «پرورش» و «پردازش» تشکیل شده است. معنای پردازش، به عینیت در آمدن نظریات جمع‌بندی شده در مرحله‌ی پژوهش و همچنین به تفاهم رسیده در مرحله‌ی پرورش است.



نیست. به عبارت دیگر نگاه سکولار به صورت عینی و ملموس به مسائل روز جامعه پاسخ می‌دهد، در حالی که نیروهای انقلاب، مدام به طرح و نقد مباحث، به صورت نظری اقدام می‌کنند.

**۲/۱/۲/۱/۱- امکان اثبات کارآمدی اصل «توحید» به صورت نظری، البته با قدرت نگرش‌سازی کم و همچنین امکان اثبات این کارآمدی با ایجاد یک تمدن بر اساس نگاه توحیدی (پردازش عینی)، با قدرت نگرش‌سازی بسیار بالا**

به عنوان مثال شما هم می‌توانید کارآمدی اصل «توحید» و دستگاه خداپرستی را به نحو نظری اثبات نمایید و هم می‌توانید یک تمدن را بر اساس این نگاه به وجود آورده و نشان دهید که تمام بخش‌های این تمدن بر اساس نگاه توحیدی در حال اداره شدن است. اصطلاح ما در نقشه‌ی راه برای روش دوم، «پردازش عینی» است. همان‌طور که بیان شد، قدرت نگرش‌سازی روش دوم، به مراتب بیشتر از روش اول است.

**۲/۱/۲/۱/۱/۱- سؤال از تعطیلی ایجاد تأمل عمومی به نفع دستگاه ایمان، در فضای بُروز کارآمدی معادلات سکولار و سؤال از انحصار راهبرد ایجاد تأمل به طرح مباحث نظری و احتمال تولد دیدگاه سوم در این شرایط**

سؤال اساسی این است که آیا ایجاد تأمل در دوران فترت، منتفی است؟ به این معنا که چون نگاه سکولار، کارآمدی



بیشتری از خود نشان داده است، باید بتواند با سهولت هر چه تمام‌تر، مبانی نظری خود را نیز به پذیرش برساند؟! آیا اگر قصد ما جلوگیری از این اتفاق است، تنها راهبردمان، ایجاد فضای گفتمانی در سطح مبانی است؟ آیا ما باید دائماً اثبات نماییم که انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و نگاه تاریخی دیدگاه سکولار، غلط است؟ و یا اینکه به فکر تولّد دیدگاه سومی<sup>۳۲</sup> باشیم؟

**۲/۱/۲/۱/۱/۱/۱- لزوم تقویت «کرسی‌های آزاداندیشی» و راه اندازی جریان قدرتمند گفتمانی در نقد دیدگاه سکولار، در صورت قائل بودن به انحصار ایجاد تأمل عمومی در طرح مباحث نظری (دیدگاه اول و دوم) با خاصیت تشخیص میزان فساد معادلات و انتخاب معادلات سکولار با فساد کمتر در دوران گذار**

اگر پاسخ این است که راه حل این مشکل، برخورد نظری با موضوع است، بنابراین باید به تقویت «کرسی‌های آزاد اندیشی»، اقدام شده و یک جریان پر قدرت گفتمانی در نقد مبانی نظری دیدگاه سکولار، راه‌اندازی شود. خاصیت این روش این است که

<sup>۳۲</sup> همان‌طور که بیان شد، هم‌اکنون در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول معتقد است مبانی نظری موجود (صدرايي و ...)، قابلیت کاربردی شدن را داراست، دیدگاه دوم معتقد است، این مبانی قابلیت کاربردی شدن را نداشته و باید مبانی نظری جدیدی را بر اساس دیدگاه قرآنی تولید نماییم. دیدگاه سوم، در میان این دو دیدگاه، متولد می‌شود.



با نقد مبانی نظری سکولار، میزان فساد معادلات آشکار شده و به این ترتیب از معادلاتی که دارای فساد کمتری هستند، استفاده می‌نماییم. اما سؤال ما این است، آیا راهی غیر از این وجود ندارد؟

**۲/۱/۲/۱/۱/۲- لزوم استفاده از ابزاری خاص - غیر از معادله‌سازی  
زمان‌بر - برای ایجاد تأمل جامعه نسبت به «جهت‌گیری صحیح» و اعراض  
عمومی از معادلات سکولار**

راه حل ما در دوران فترت، این است که باید به ابزاری خاص - غیر از معادله‌سازی، که بسیار زمان‌بر است - مجهز شویم تا به وسیله‌ی آن، هم زمینه‌ی تأمل جامعه نسبت به جهت‌گیری انقلاب محیا شود و هم زمینه‌ی تأمل جامعه نسبت به فساد مبانی معادلات سکولار، فراهم شود.

هنگامی که معادلات مبتنی بر مبانی اسلامی تولید شود، با به کارگیری این معادلات در جامعه و حل مشکلات مردم، علاوه بر رفع نیازهای عمومی، زمینه برای تأمل جامعه در کارآمدی مبانی به وجود آورنده‌ی این معادلات، فراهم می‌شود. به زبان «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی»، هم پاسخی



به جهت سازهای جامعه داده می‌شود و هم زمینه‌ی تأمل اجتماعی به «جهت‌گیری صحیح» فراهم می‌شود.

**۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱ - پردازش نظام سؤالات تنظیم شده بر اساس «الگوی استخراج سؤال»، به چالش‌کننده‌ی معادلات سکولار و زمینه‌ساز ایجاد تأمل عمومی نسبت به مبانی اسلامی، روش پیشنهادی دیدگاه سوم**

دیدگاه سوم (نگاه مختار) می‌گوید: اگر شما بتوانید نظامی از سؤالات را - که بر اساس «الگوی استخراج سؤال<sup>۳۳</sup>» تنظیم شده است - برای نهادهای تصمیم‌ساز جامعه مطرح کنید، با وجود اینکه هنوز به معادله‌ای بر اساس مبانی اسلامی دست پیدا نکرده‌اید، اما قادر خواهید بود، مبانی نظری و کارآمدی معادلات سکولار را به چالش بکشید. به هر میزان که شما بتوانید - به دور از تبیین مباحث نظری - با این روش به نقد معادلات سکولار

---

<sup>۳۳</sup> «الگوی استخراج سؤال»، یکی از ریزالگوهای تعریف شده در «الگوی ساخت نظامات اسلامی» است. «الگوی ساخت نظامات اسلامی» متشکل است از سه ریزالگو با نام‌های «الگوی حفظ جهت» (دروان پژوهش)، «الگوی استخراج سؤال» (دوران پرورش) و «الگوی پردازش اجتماعی» (دوران پردازش). کارکرد «الگوی استخراج سؤال»، ایجاد تأمل در مخاطب با اتکاء بر روی «پایه‌ی سؤال» و اتصال این پایه به وسیله «شرح سؤال» به «رکن سؤال» است. الگوی استخراج سؤال، ابزار برقراری ارتباط با نخبگان و کارآمدترین‌ترین روش در ایجاد تفاهم میان آنهاست.



اقدام کنید، به همان میزان، زمینه برای گسترش نگرش‌سازی بر اساس مبانی اسلامی، فراهم خواهد شد.

**۲/۱/۲/۱/۱/۲/۱/۱ - تنظیم نظامی از سؤالات، ناظر به مشکلات موجود در کشورهای توسعه یافته (فقدان امنیت و عدالت، فروپاشی نهاد خانواده، تخریب محیط زیست و ...) و پردازش این سؤالات برای به چالش کشیدن دیدگاه توسعه گرا به اقتصاد، قبل از دستیابی به معادلات اقتصاد اسلامی**

مثلاً فرض کنید که ما هنوز در حوزه‌ی اقتصاد اسلامی، به یک معادله دست پیدا نکرده‌ایم. نگاه سکولار می‌گوید که تنها راه حل مسائل اقتصادی، توسعه<sup>۳۴</sup> است. کاری که باید انجام شود این است که نظامی از سؤالات - بر اساس یک فرآیند خاص - به منظور نشان دادن ناکارآمدی‌های توسعه، آماده شود. این سؤالات باید ذهن مخاطب را متوجه مشکلاتی که در کشورهای توسعه‌یافته‌ی دنیا - مثلاً مشکلات محیط زیست،



<sup>۳۴</sup> توسعه اقتصادی (Economic Development) عبارتست از رشد اقتصادی همراه با تغییرات بنیادین در اقتصاد و افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول می‌شوند.



فروپاشی نهاد خانواده، فقدان امنیت، بی‌عدالتی و ... - بر اثر فرآیند توسعه‌یافتگی به وجود آمده است، نماید.

**۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱** - اثبات محدود بودن کارآمدی معادلات سکولار (نگرش سازی) از طریق نظام سؤالات، با کارآمدی بالا و توجه به تفاوت این روش، در مقابله با دستگاه سکولار و روش نقد مبانی

نکته‌ی بسیار مهم این است که این نوع مقابله با دستگاه سکولار، از نوع مقابله با مبانی نیست؛ بلکه ما با نظام سؤالات طراحی شده، اقدام به نگرش‌سازی کرده و این مطلب را به مخاطب اثبات می‌کنیم که کارآمدی ادعا شده توسط دستگاه سکولار، بسیار محدود و ناظر به برخی از جهت‌سازهاست. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، این سنخ از مقابله، با نقد مبانی کاملاً متفاوت و دارای کارآمدی بیشتری می‌باشد.

**۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱** - تبیین تفاوت روش «نظام سؤالات» و «نقد مبانی» در قالب مثال

برای روشن شدن تفاوت مقابله با نگاه سکولار از طریق «نقد مبانی» و روش مختار استفاده از «نظام سؤالات»، این معادله را در قالب چند مثال، تبیین می‌نماییم.





تغییر داده و آن را به یک سری از جرائم خاص، محدود کرده‌اند. در نتیجه، ورودی پرونده‌ها به محاکم قضایی کاهش یافته و به نوعی می‌توان گفت صورت مسئله، پاک شده است. در برخی از کشورهای توسعه‌یافته نیز، به سمت گسترش NGO<sup>۳۶</sup> ها رفته و ماهیت برخورد با جرم را از ماهیت قضایی خارج و آن را به یک ماهیت اجتماعی تبدیل کرده‌اند. استدلال آنها برای این کار این بوده است که نباید به هر تخلفی ماهیت قضایی داد.

**۲/۱/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱/۱/۱/۲-بازشناسی مسئلهی جرم و ریشه‌یابی**

**آن (پایه‌ای مناسب برای به جانش کشیدن دیدگاه سکولار)**

کاری که باید انجام شود این است که بر روی مسئلهی بازشناسی جرم، تمرکز کرده و مسئلهی ارتکاب به جرم را به نحو صحیح، تحلیل کنیم.

<sup>۳۶</sup> سازمان‌های مردم‌نهاد یا ان‌جی‌او (به انگلیسی: Non Governmental Organization) و به اختصار: NGO) به اشکال و انحاء مختلف در سراسر جهان استفاده می‌شود و با توجه به بافت کلامی که در آن مورد استفاده قرار گرفته، به انواع گوناگون سازمانها اشاره می‌کند. سازمان مردم‌نهاد در کلی‌ترین معنایش، به سازمانی اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود، اما نقش بسیار مهمی بعنوان واسطه بین فرد فرد مردم (اتم‌های اجتماع) و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند.



۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱/۱/۲/۱- ریشه‌ی ارتکاب به جرم در عدم تعادل شخصیت افراد و شکل‌گیری شخصیت افراد در نهاد خانواده، در نتیجه ارتکاب به جرم، نشانه‌ای برای فروپاشی نهاد خانواده و لزوم شناسایی عوامل تضعیف‌کننده‌ی نهاد خانواده در معادلات اداره‌کننده‌ی جامعه

ما باید در تحلیل خود نشان دهیم، ریشه‌ی عمل کسی که خطوط قرمز جامعه را نادیده گرفته و مرزهای اجتماعی را در می‌نوردد، در عدم تعادل شخصیت اوست. در ادامه باید نشان دهیم که کانون شکل‌گیری شخصیت انسان، نهاد خانواده است. بنابراین وقوع جرم، نشانه‌ای برای فروپاشی نهاد خانواده است. در ادامه‌ی این استدلال، باید عوامل تضعیف‌کننده‌ی نهاد خانواده، در برنامه‌ریزی‌های موجود را شناسایی و معرفی نماییم.

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱/۱/۲/۱- تکیه بر یک «پایه» ی خوب (مسئله‌ی غیر قابل انکار لزوم پیش‌گیری از جرم) و اتصال این «پایه» به «رکن» مورد نظر (تأثیر مستقیم برنامه‌ریزی‌های اجتماعی در وقوع جرم) به وسیله‌ی «شرح» فنی (آنالیز فرآیند تنظیم نظام سؤالات بر اساس «الگوی استخراج سؤال»)

به تشریح فرآیندی که از نظر تان گذشت، می‌پردازیم. در این فرآیند، مسئله‌ای که قبیح، منکر و نامطلوب بودنش



غیرقابل انکار است (وقوع جرم) را پایه‌ی ۳۷ بحث قرار داده و به وسیله‌ی یک شرح خوب و فنی، این پایه را به رکن مورد نظرمان (تأثیر مستقیم برنامه‌ریزی‌های اجتماعی در وقوع جرم) متصل نمودیم.

**۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۲- نمایانیدن محدودبودن کارآمدی معادلات سکولار و جلوگیری از ادعای دیدگاه سکولار نسبت به کارآمدی مبانی‌اش در سایر حوزه‌های اداری جامعه به وسیله‌ی پردازش نظام سؤالات و تغییر موازنه به نفع دستگاه ایمان**

کاری که در این فرآیند انجام می‌شود، غیر از نقد مبانی است. اگر در این شرایط به این صورت عمل نشود، دیدگاه سکولار، کارآمدی‌های جزئی خود را مستمسک قرار داده و ادعا می‌کند که این کارآمدی، قابل بسط و گسترش به سایر حوزه‌های اداری جامعه است. کاری که ما باید انجام دهیم این است که با نظام سؤالاتمان، وارد بحث شده و محدود بودن

<sup>۳۷</sup> «الگوی استخراج سؤال» سه بخش دارد: پایه‌ی سؤال، شرح سؤال و رکن سؤال. «پایه‌ی سؤال» به معنای موضوع غیرقابل انکاری است که می‌توان بر روی آن تکیه کرد و مخاطب را به نحوی فنی، به رکن سؤال متصل نمود. «رکن سؤال» به معنای مهره‌ایست که با آن، در مخاطب ایجاد تأمل شده و فرصت نگرش‌سازی برای او فراهم می‌شود. «شرح سؤال» به معنای مهره‌های واسطی است که با ارتباطات منطقی به یکدیگر متصل بوده و پایه‌ی سؤال را به رکن سؤال متصل می‌کنند.



کارآمدی معادلات سکولار را نشان دهیم. به این ترتیب، یک حوزه در کنار حوزه‌ی نقد مبانی به وجود می‌آید که خلاء تئوریک به وجود آمده را پر کرده و موازنه را به نفع دستگاه ایمان، عوض می‌کند.

**۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۲/۱- استخراج ۸۱ سؤال، حول «موضوعات جهت‌ساز» در اولین «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» و تقسیم هر یک از این سؤالات به سه بخش «نقد»، «نقض» و «طرح» و تبدیل به ۲۴۳ مادر سؤال**  
 در «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی»، ۸۱ سؤال حول موضوعات جهت‌ساز، استخراج شده است. هر کدام از این سؤالات به سه بخش «نقد»، «نقض» و «طرح» تقسیم‌بندی می‌شوند که در مجموع به ۲۴۳ «مادر سؤال»، تبدیل می‌شوند.

**۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۲/۱- لزوم بررسی پاسخی گویی معادلات سکولار به تمامی «موضوعات جهت‌ساز» استخراج شده در نقشه‌ی راه (به چالش کشیدن معادلات سکولار از این طریق) و القای اضطراری بودن استفاده از معادلات سکولار به نخبگان به علت پاسخگو نبودن این معادلات به تمام «موضوعات جهت‌ساز»**

کاری که در نقشه‌ی راه انجام شده است، استخراج موضوعات جهت‌ساز است و کاری که باید در ادامه انجام شود، بررسی این



مطلب است که آیا معادلات دستگاه سکولار، پاسخی درخور برای تمام «موضوعات جهت‌ساز» دارد یا خیر؟ موفقیت ما در پردازش این سؤالات، نگرش نخبگان را تغییر داده و این مطلب را به آنها القاء می‌کند که استفاده از معادلات غیر دینی، به علت ضرورت و از روی اضطرار است؛ زیرا این معادلات، پاسخ‌گوی تمام موضوعات جهت‌ساز نیستند.

**۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۳ - نمایش محدود بودن کارآمدی معادلات سکولار، روشی با قدرت نگرش‌سازی بالا و مؤثرتر از راهبرد نقد مبانی نظری، تمام حرف «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»**

تمام حرف ما در «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» این است که سرعت و قدرت نگرش‌سازی از طریق اثبات و نمایاندن محدود بودن کارآمدی معادلات سکولار، بسیار بیشتر از نگرش‌سازی با راهبرد اثبات ناکارآمدی معادلات موجود از پایگاه مبانی نظری است.

**۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۳/۱ - بی‌نیاز بودن فهم «موضوعات جهت‌ساز» از استدلال‌های پیچیده به علت اتکای این موضوعات بر پایه‌ی فطریات**

دلیل ما برای این ادعا این است که اتکای راهبرد مختار شورای راهبردی، بر روی مسائل جهت‌ساز است و فهم



جهت‌سازها، به استدلال خاصی نیاز ندارد. در حالی که اثبات ناکارآمدی از طریق مبانی نظری، محتاج استعداد و معونه‌ی نظری بالایی است. به عنوان مثال اگر ورود شما به بحث، از مبانی نظری باشد، برای اثبات تفاوت دیدگاه اسلام و دیدگاه سکولار به انسان، باید ابتدا این مطلب را اثبات کنید که نگاه به انسان در دیدگاه سکولار، به عنوان یک موجود اکونومیک و اقتصادی است، در حالی که انسان در نگاه اسلامی، به صورت یک موجود متأله تعریف می‌شود. حرف ما این است که این نحوه‌ی ورود به بحث، زمانی موجب نگرش‌سازی در مخاطب می‌شود که این موضوعات برای او مهم و مورد توجه باشد. در فضایی که مردم، با مشکلات عدیده‌ی اجتماعی، دست و پنجه نرم می‌کنند، به هیچ عنوان دغدغه‌ی این تعاریف را ندارند. دغدغه‌مندان نیز، مدت‌ها طول می‌کشد تا بتوانند این مسائل را از یکدیگر تمیز دهند. اما اگر شما بر روی یک مسئله‌ی جهت‌ساز تأکید کنید، حتی اگر مخاطبتان یک انسان سکولار هم باشد، نمی‌تواند بگوید که جامعه نیازمند پیش‌گیری از جرم نیست. اگر مخاطب شما، انسان متدینی هم باشد، قطعاً با جلوگیری از گناه



و ارتکاب به جرم در جامعه موافق و همراه است. بنابراین مشاهده می‌کنید که نقطه‌ی شروع ما از یک موضوع جهت‌ساز است. در ادامه باید بگوییم که معادلات موجود، موجب تضعیف نهاد خانواده شده و تضعیف نهاد خانواده هم باعث شکل‌گیری ناصحیح شخصیت می‌شود. نتیجه‌ی برهم‌خوردن شخصیت افراد هم، عدم تعادل روحی ایشان و تصمیم‌گیری‌های خلاف حدود جامعه (جرم) است. این نحوه‌ی طرح بحث، بر اساس تحلیل خاصی سامان‌دهی شده؛ اما نکته اینجاست که پایه‌ی تحلیل، یک مسئله‌ی غیرقابل‌انکار است.

**۲/۱/۲/۱/۱/۲/۳/۱/۱ - استخراج ۸۱ «موضوع جهت‌ساز» و غیرقابل**

**انکار در اولین «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی»**

حال ممکن است پرسیده شود که آیا تنها پایه‌ی غیرقابل‌انکار، مسئله‌ی پیش‌گیری از جرم است؟ ما می‌گوییم که در «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» ۸۱ موضوع جهت‌ساز را استخراج کرده‌ایم که می‌توان بر روی آنها اتکاء کرده و معادلات موجود را به چالش کشید. استدلال ما این





است که به علت غیرقابل انکار بودن موضوعات جهت ساز، حتی دستگاه سکولار هم قادر به انکار این موضوعات نمی باشد.

**۱/۱/۳/۲/۱/۱/۲/۱/۲- شاخص رفیق، یکی دیگر از «موضوعات**

**جهت ساز» و غیرقابل انکار حتی برای کفار به علت فطری بودن این مسئله**

به عنوان مثال، یکی دیگر از موضوعات جهت ساز و غیرقابل انکار، شاخص رفیق است. دیدگاه سکولار و رقیب، با هر سطحی از کفر، قادر به انکار این مسئله فطری نمی باشد. تأکید ما هم بر روی مسائلی است که دیدگاه سکولار، قادر به انکار و مخفی کردن آنها نباشد.



**۱/۱/۳/۲/۱/۱/۲/۱/۲- تکیه بر مسائل غیرقابل انکار و غیرقابل**

**حذف از شخصیت انسان ها و در یک کلام تکیه بر فطریات، روش قرآن در بیان موضوعات و روشی با قابلیت برقراری ارتباط در سطح جهانی به منظور به جایش کشیدن معادلات سکولار**

قرآن می فرماید: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ﴾<sup>۳۸</sup> به این معنا که با قرآن، می توان تبیین عمومی ایجاد کرد. اما سؤال این است که ریشه ی ادبیات قرآنی در چیست؟ ریشه ی قرآن، تکیه بر روی مسائل

<sup>۳۸</sup> هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۱۳۸) -سوره آل عمران- این [قرآن]

برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است.



غیرقابل انکار است و مسائل غیرقابل انکار به معنای مسائل غیرقابل حذف از شخصیت و فطرت انسان هاست. اگر پیش‌زمینه‌ی بحث، فربه‌کردن بخشی از فطرت باشد - که ما به آن موضوع جهت‌ساز می‌گوییم - قابلیت اثبات ناکارآمدی توسعه در سطح جهانی، به دست خواهد آمد.

بنابراین سرعت تفاهم با این مدل - حتی قبل از تولید معادلات اسلامی - به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت.

**۲/۱/۲/۱/۱/۲/۳/۱/۲ - نگرش سازی فوق‌العاده در اثر پردازش صحیح یک «موضوع جهت‌ساز»، به معنای لازم نبودن گنجانده شدن هزاران سؤال در «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»**

«بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» هم‌اکنون موجود است. نیازی هم نیست که سؤالات این بانک، هزاران مورد باشد. اگر ما بتوانیم فقط بر روی یک مسئله‌ی جهت‌ساز، به صورت صحیح، پردازش کنیم، سطح نگرش‌سازی خود را به شدت افزایش خواهیم داد.



هم اكنون سؤالات زيادي از دستگاه علمي سكو لار، پرسیده می شود اما فهم آن سؤالات، مبتنی بر فهم پایه های است که آن سؤالات بر روی آنها مطرح شده است. به همان ميزانی که پایه ی سؤال شما نیازمند اثبات است، به همان میزان «مدیریت تحولات» را از دست خواهید داد؛ زیرا برای به تفاهم رسیدن بر روی یک پایه ی مشترک، زمان زيادی صرف خواهد شد. اما اگر مسئله ای که هم اكنون توسط گروه هدف، قابل قبول بوده و به آن توجه دارد، به عنوان پایه ی بحث اختیار شود، زمان لازم برای پایه سازی به نفع «مدیریت تحولات»، ذخیره می شود. بنابراین سرعت نگرش سازی، به شدت ارتقاء خواهد یافت.

با این تعریف می توان گفت: ماهیت «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» عبارت است از «بانک سؤالات جهت ساز». به این معنا که پایه ی نظام سؤالات مطرح در این بانک، موضوعات فطری و جهت ساز است.

مثلاً کسی که به سن بلوغ می رسد، متوجه مسئله خانواده و ضرورت آن شده و برای اثبات ضرورت این مسئله به او، نیازی



به استدلال نظری وجود ندارد. اگر در این شرایط، سؤالی از فرد با این مضمون که "چرا نهاد خانواده در کشورهای توسعه یافته دچار فروپاشی شده است؟" پرسید، به راحتی می‌توانید با او ارتباط برقرار کنید. مقصود شما نقد توسعه است؛ اما تأکید شما بر روی یک مسئله‌ی فطری است. اگر بخواهید از روش نظری و نقد مبانی وارد این بحث شوید، همان‌طور که بیان شد، باید بر روی تفاوت نگاه اسلام و نگاه سکولار به انسان تکیه کنید، که این هم فرآیندی بسیار زمان‌بر است.

# پردازش

- پایه تصمیم: آسیب‌شناسی و مدیریت پایان‌نامه‌های دستگاه علمی کشور و کرسی‌های آزاداندیشی
- تصویر تصمیم: شناسایی «موضوعات جهت‌ساز»، تعریف نهادهای متکفل و تعریف مجراهای ارتباطی
- نتیجه تصمیم: تنظیم احکام برنامه‌ی لازم برای عملیاتی کردن نظریه



## پروازش

### ۱- عملیاتی کردن تئوری «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»، گام نهایی در مدیریت فضای علمی کشور

بعد از مباحثی که تا کنون مطرح شد، سؤال اساسی و نهایی این است که چگونه می‌توان این تئوری را به شکل عملیاتی درآورد؟

### ۱/۱- شناسایی «موضوعات جهت‌ساز»، اولین گام در فرآیند عملیاتی کردن بانک سؤالات، مرحله‌ای انجام شده در اولین «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» با استخراج ۸۱ موضوع جهت‌ساز

گام اول، شناسایی «موضوعات جهت‌ساز» است. فرآیند شناسایی «موضوعات جهت‌ساز»، در اولین «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» و در ۸۱ محور، انجام شده است.<sup>۳۹</sup>

---

<sup>۳۹</sup> به نوعی می‌توان گفت: انعکاس تمام موضوعات ۸۱ گانه‌ی مطرح در اولین «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی»، در موضوع «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» قابل مشاهده است. به همین دلیل است که موضوع بانک سؤالات، یکی از محوری‌ترین موضوعات مطرح در نقشه راه است.

**۱/۲- تعیین نهاد متکفل اجرایی کردن این تئوری و تخصیص بودجه‌های لازم به این نهاد، گام دوم در فرآیند اجرایی کردن «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»**

**گام دوم** این است که بخشی از امکانات کشور را به این مسئله تخصیص داده و فرصت طرح را برای آن فراهم کنیم. بنابراین باید در گام دوم، فضای طرح این سؤالات، پیش‌بینی و شناسایی شود. به عبارت دیگر، در این مرحله باید نهادی به عنوان نهاد متکفل اجرایی کردن این تئوری، تعریف و وظایف و اختیارات آن به صورت کامل معلوم گردد.

**۱/۲/۱- ایجاد معاونت بانک سؤالات در وزارت علوم به منظور مدیریت پایان‌نامه‌ها (یکی از گزینه‌های نهاد متکفل)**

به عنوان مثال یکی از گزینه‌ها، ایجاد معاونتی در وزارت علوم، برای مدیریت پایان‌نامه‌هاست. وظیفه‌ی این معاونت، تفاهم با گروه‌های علمی و تصمیم‌ساز، بر روی هماهنگی پایان‌نامه‌ها با «موضوعات جهت‌ساز» ۸۱ گانه است.





**۱/۲/۲- ایجاد نهاد نمایندگی بانک سؤال در صداوسیما به منظور انعکاس فعالیت‌های این نهاد و تولید محصولات رسانه‌ای (یکی از گزینه‌های نهاد متکفل)**

یکی دیگر از لوازم و فضاهای لازم برای «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»، توجه به انعکاس اخبار و فعالیت‌های این نهاد در حوزه‌ی رسانه است. رسانه باید به کمک این نهاد آمده و نقش تولید خبر و تولید محصولات رسانه‌ای را برای آن بازی نماید. به این منظور لازم است، یک نمایندگی هم در سازمان صداوسیما در نظر گرفته شود. تأمین بودجه‌ی این نهاد، به عهده‌ی دولت است. نکته‌ی مهم این است که باید تمامی تبصره‌هایی از این دست، در حکم برنامه پیش‌بینی و گنجانده شود.

**۱/۲/۳- ایجاد نهاد متکفل، زیرمجموعه‌ی نهاد رهبری و یا همانند نهاد‌های نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها (یکی از گزینه‌های نهاد متکفل)**

این مرکز ممکن است زیرمجموعه‌ی نهاد رهبری و یا نهادی همانند نهادهای نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها باشد. اما نکته‌ی مهم این است که وجود چنین نهادی، لازم و ضروری است.



**۱/۲/۴- الزام مجلس شورای اسلامی به تشکیل نهاد بانک سؤال، زیرمجموعه‌ی ریاست مجلس، طی پنج سال و تعریف وظیفه‌ی شناسایی نظام مسائل جامعه بر اساس بانک سؤال و تقدیم خروجی پژوهش‌ها به مجلس به منظور تبدیل شدن به قانون (یکی از گزینه‌های نهاد متکفل)**

یکی از احتمالاتی که می‌توان به عنوان حکم برنامه در نظر گرفت این است که مجلس شورای اسلامی موظف است طی پنج سال، نهاد «بانک سؤالات الگویی پیشرفت اسلامی» را زیرمجموعه‌ی حوزه‌ی ریاست تشکیل دهد. در ادامه نیز می‌توان یک تبصره به آن اضافه نمود و نوشت: این نهاد باید نظام مسائل جامعه را بر اساس نظریه‌ی «بانک سؤالات الگویی پیشرفت اسلامی»<sup>۴۰</sup> شناسایی و خروجی پژوهش‌ها را به منظور تبدیل شدن به قانون، در اختیار کمیسیون‌ها قرار دهد.

**۱/۲/۴/۱- لزوم در نظر گرفتن نسبت نهاد متکفل با نهاد بالاسری، مثلاً مشاهده‌ی نسبت نهاد بانک سؤال با قانون‌گذاری در صورت تشکیل این نهاد ذیل مجلس شورای اسلامی**

نکته‌ی قابل توجه این که اگر قرار است این نهاد ذیل مجلس شورای اسلامی گنجانده شود، باید نسبت آن با قانون‌گذاری، دیده شود. همچنین اگر قرار است این نهاد، زیر مجموعه‌ی

<sup>۴۰</sup> عنوان نظریه باید حتماً در حکم وارد شود.



دانشگاه‌ها تعریف شود، باید نسبت آن با نهادهای علمی، به وضوح دیده شده باشد<sup>۴۱</sup>.

**۱/۲/۵- ذکر عنوان یک ساختار (بانک) در نام این تئوری، به علت لزوم وجود نهاد متکفل برای پی‌گیری این تئوری و لزوم گنجانده شدن این ساختار در قانون اساسی**

همان‌طوری که مشاهده می‌شود در عنوان این نظریه («بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی») عنوان یک ساختار (بانک) ذکر شده است. علت این انتخاب این است که باید حتماً یک نهاد مرکزی، عهده‌دار هماهنگی نهادهای علمی و تصمیم‌ساز بوده و با برقراری ارتباطات متنوع، در قالب نشست، همایش، مقاله، سفارش کتاب و ... سؤالات را به این نهادها منتقل و پردازش نماید. بنابراین لازم است در قانون اساسی، چنین ساختاری پیش‌بینی شود<sup>۴۲</sup>.

---

<sup>۴۱</sup> در مورد محل تشکیل این نهاد، حتی می‌توان به تشکیل آن در معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور هم فکر کرد. مکان دقیق تشکیل این نهاد، بعد از بررسی‌های همه‌جانبه تثبیت خواهد شد، اما نکته‌ی مهم، تثبیت فرآیند کلی تئوری است.

<sup>۴۲</sup> «حفظ جهت» از تغییر نگرش آغاز می‌شود و ابزار تغییر نگرش هم، طرح سؤالات جهت‌ساز است. بنابراین «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» ابزار و شروع‌کننده‌ی حفظ جهت است.



۱/۳- تعریف مجراهای طرح سؤالات بانک، میان نهاد متکفل و سایر نهادهای تصمیم ساز، مثلاً درخواست برگزاری سلسله نشست از نهادهای علمی، اساتید و دانشجویان و انتقال سؤالات به ایشان از طریق «دفترچه‌های شرح سؤال»، گام سوم در عملیاتی کردن «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»

گام سوم، برقراری مجرای طرح سؤالات، میان نهاد «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» و سایر نهادهای تصمیم‌ساز است. منظور از مجرای طرح، به عنوان مثال، درخواست برگزاری سلسله نشست‌های تبیینی، از نهادهای علمی است. نهاد متکفل، به میزانی که توانایی طرح سؤال از نهادهای علمی را داشته باشد، قادر به برقراری ارتباط با این نهادهاست. همان‌طوری که در گام دوم بیان شد، این نهاد ممکن است زیرمجموعه‌ی دفتر رهبری یا در سازمان مدیریت و یا هر سازمان دیگری تشکیل شود، اما باید بعد از تشکیل، پیشنهاد برگزاری نشست را به گروه‌ها، اساتید، دانشجویان و کسانی که قصد نوشتن پایان‌نامه را دارند، مطرح نماید. به محوریت این نهاد، یک سری نشست‌های سراسری باید تشکیل شود. در این نشست‌ها، دپارتمان‌های علمی کشور دعوت شده و سؤالات مورد نظر در قالب «دفترچه‌های شرح سؤال» به آنها منتقل شود.



### ۱/۳/۱- حمایت از پایان نامه های هماهنگ با این نهاد، نمونه ای از احکام

#### برنامه به منظور ثبت در برنامه ششم

در این رابطه باید احکام برنامه‌ی مختلفی تنظیم شود. از جمله اینکه مثلاً باید در حکم برنامه نوشت: از پایان‌نامه‌هایی که با این نهاد هماهنگ می‌شوند، حمایت ویژه‌ای به عمل می‌آید.

گام اول از این سه گام، طی شده و دو گام دیگر باقی مانده است. کاری که باید انجام شود، تبدیل گام‌های سه‌گانه، به حکم برنامه است.

### ۱/۴- تبدیل کردن تمام جزئیات اجرایی شدن تئوری (تعیین متکفل، حدود اختیارات و وظایف، نحوه‌ی گزارش‌دهی به سایر نهادها، نحوه‌ی تأمین بودجه، نهاد پشتیبان، نیازهای قانونی، نهاد متکفل نوشتن آیین‌نامه‌های لازم و ...) به حکم برنامه به صورت کاملاً دقیق

همان‌طور که مشاهده می‌کنید، گام نهایی در عملیاتی کردن یک نظریه و به اصطلاح پردازش آن، تبدیل آن نظریه به چندین حکم برنامه و پیوست علمی و فرهنگی است. در این مرحله باید تمامی جزئیات اجرایی، به صورت دقیق مشخص شده و متکفلین هر بند، با ذکر حدود اختیارات و وظایف، معین گردد. در این مرحله، نیازی به کار تبیینی و علمی وجود ندارد،



بلکه باید تمامی جزئیات تئوری، به صورت اجرایی و دقیق، به حکم و تبصره‌های برنامه تبدیل شود. حتی این مطلب که گزارش فعالیت‌های این نهاد، در آینده باید به چه نهادهایی - مثلاً مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، دفتر رهبری، سازمان مدیریت و ... - ارسال گردد هم باید در قالب حکم و تبصره‌ی برنامه، ذکر گردد<sup>۴۳</sup>. ممکن است اینگونه به نظر برسد که نوشتن حکم برنامه، کار ساده‌ایست اما نکته‌ی مهم در نوشتن حکم برنامه، مشخص کردن تمام جزئیات کار است. به عبارت دیگر، حکم برنامه به هر میزان که دقیق‌تر و روشن‌تر نوشته شود، اجرایی شدن آن نیز با مشکلات کمتری مواجه خواهد بود. بودجه، نهاد پشتیبان، حدود اختیارات، نیازهای قانونی و ...

---

<sup>۴۳</sup> به عنوان مثال، هنگامی که شورای راهبردی در برنامه‌ی پنجم، در کمیسیون تعلیم و تربیت مشغول فعالیت بود، کار به مرحله‌ی تنظیم حکم برنامه رسید. شورا در آن زمان به نظریه‌ی فعالیت‌های شبکه‌ای مساجد و هیئات دست یافته بود و قصد داشت آن را به حکم برنامه تبدیل نماید. بنابراین در حکم برنامه نوشته شد: دولت موظف است زمین مساجد را در همه‌ی محله‌ها تأمین نماید. همان‌طور که می‌بینید، در مرحله‌ی نوشتن حکم برنامه، کار باید به صورت کاملاً اجرایی تعریف شود. درست است که قصد شما تعریف مسجد به عنوان پشتیبان نهاد خانواده است، اما در این مرحله از ساخت و ساز تا بودجه و سایر مسائل را باید به حکم برنامه تبدیل نمایید. یکی از نتایج آن فعالیت‌ها این بود که آقای لاریجانی نمایندگان را قانع کردند که باید در یکی از برنامه‌های بودجه‌ی کشور، مساجد و هیئات از پرداخت قبوض برق معاف شوند.



همگی باید در حکم برنامه دیده شده و منعکس گردد. به عنوان مثال اگر در فرآیند اجرا، نیاز به نوشتن آیین نامه باشد، باید در حکم برنامه به صورت مشخص، نوشته شود که کدام نهاد یا مرکز، عهده دار تنظیم آن می باشد.

### ۱/۴/۱- نظریه‌ی شفاف، آنگاه فرآیند اجرایی شدن شفاف، آنگاه احکام

#### برنامه روشن و در نتیجه اجرای موفق و کامل تئوری

در یک جمله می توان گفت: "به هر میزان که نظریه شفاف تر باشد، فرآیند اجرایی شدن هم مشخص تر و به همان میزان، احکام برنامه هم روشن تر خواهد بود".

#### خلاصه‌ی مطالب:

در قسمت اول، چرایی نیاز به «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» را مطرح کردیم و گفتیم که علت احساس نیاز به این مسئله، غفلت از «مدیریت تحولات» و ایجاد فرصت برای بازسازی نظریه‌های سکولار است. استدلال دیگری هم برای اثبات نیاز به چنین موضوعی بیان شد و آن این بود که ایجاد فرصت برای بازسازی نظریه‌های سکولار، فقط به این معنا نیست که نظریه‌های سکولار یک مسئله را حل می کنند و هژمونی



دستگاه علمی غرب را گسترش می‌دهند، بلکه در واقع این کارآمدی، زمینه‌ی تأمل عمومی بر مبانی سکولار را ایجاد می‌کند. بنابراین غیر از نقد مبانی - که کارکرد ضعیفی در «مدیریت تحولات» دارد - نیازمند روش جدیدی هستیم. آن مدل جدید، شناسایی سؤالاتی است که پایه‌ی آن سؤالات بر روی مسائل جهت‌ساز است.

فرآیند اجرایی کردن این نظریه هم به این صورت بیان شد که گام اول، شناسایی جهت‌سازهاست. در گام دوم یک نهاد مادر برای آن تعریف کرده و در گام سوم، باید میان این نهاد مادر و تمام نهادهای تصمیم‌ساز علمی کشور، ارتباط برقرار شود. در نهایت هم باید تمام فرآیندهای بیان شده، به حکم برنامه تبدیل شود.



# فہرست تفصیلی

- پژوهش ..... ۱۱
- ۴- تولید علم، ابزار دستیابی به توازن ..... ۱۱
- ۴/۱- تولید علم، مسئله‌ای ضروری و غیرقابل انکار به منظور حل مسائل کشور ..... ۱۱
- ۴/۱/۱- تبیین روایت «العلم سلطان» توسط امام خامنه‌ای (ام‌طَلَّه) در اثبات ضرورت تولید علم و نگاه به علم به عنوان ابزار «تسلط» (توازن)، دیدگاهی متفاوت با دیدگاه بیکنی به علم، به عنوان ابزار «قدرت» ..... ۱۲
- ۴/۱/۲- تولید «نقشه جامع علمی کشور»، دستیابی ایران به تکنولوژی‌های برتر دنیا و بالا بودن نرخ «شتاب علمی کشور»، نشانه‌هایی برای عملیاتی‌شدن تفکرِ قائل به ضرورت تولید علم در کشور ..... ۱۴
- ۴/۱/۳- آفت‌های دوگانه‌ی فرآیند تولید علم ..... ۱۵
- ۴/۱/۳/۱- «ترجمه‌گرایی»، آفت اولِ شتاب علمی کشور و تأثر شدید تولیدات علمی از محتوای علوم رایج دنیا در تمام حوزه‌ها ..... ۱۵
- ۴/۱/۳/۱/۱- کپی بودن فناوری‌های به دست آمده در حوزه‌ی فنی و مهندسی، با وجود افتخار آمیز بودن دستیابی کشور به این فناوری‌ها ..... ۱۶
- ۴/۱/۳/۱/۲- خطرناک‌تر شدن «ترجمه‌گرایی»، متعاقب سرایت این روند در حوزه‌ی علوم انسانی، به علت پیش‌فرض بودن مبانی ارزشی هر جامعه در تولیدات علوم انسانی و عدم وجود قطعی پیش‌فرض‌های دینی ما در علوم انسانی تولید شده در دنیای غرب ..... ۱۷
- ۴/۱/۳/۱/۲/۱- وجود مکاتب مختلف در رشته‌های گوناگون علمی در دنیای غرب، گواهی بر فقدان دیدگاهی ثابت (تشتت آراء و اتکای تئوری‌های تولید شده به پیش‌فرض‌های گوناگون) و استفاده از علوم غربی بدون توجه به پیش‌فرض‌های این علوم، با کمال تعجب در ایران ..... ۱۸
- ۴/۱/۳/۲- باقی بودن نیروهای ارزشی و معتقد به فساد مبانی علوم ترجمه‌ای در نقد مبانی علوم سکولار و توقف در سطح مباحث کلی و غیرکاربردی، زمینه ساز بازسازی علوم سکولار و هماهنگ شدن این علوم با بوم ایران و اثبات ناکارآمدی مبانی دینی در تولید معادلات اداره‌ی جامعه (آفت دوم ترجمه‌گرایی) ..... ۱۹
- خلاصه مطلب: ..... ۲۰
- پرورش ..... ۲۵
- ۲- «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»، دیدگاه سوم در کنار دو دیدگاه معتقد به مبانی دینی، در فضای تولید علم ..... ۲۵



۲/۱-جلوگیری از طرح مجدد تئوری های سکولار در خلاء ایجاد شده در فاصله‌ی زمانی لازم برای ارتقای مبانی دینی به معادلات کاربردی، به وسیله‌ی «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» (دغدغه‌ی اصلی دیدگاه سوم) و ایجاد فرصت لازم برای تبدیل مبانی نظری صدرایی و ... در صورت امکان، به معادلات کاربردی (دیدگاه اول) و یا جمع بندی بحث به لزوم تولید مبانی جدید دینی برای تولید معادلات کاربردی و ناکارآمد بودن مبانی صدرایی و ... (دیدگاه دوم)، نتایج دوگانه‌ی مدیریت دوران فترت (فقدان معادلات دینی) به وسیله‌ی «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» ۲۵.....

۲/۱/۱-تحدید و دیدگاه دیگر نسبت به ایجاد فرصت مناسب برای بازسازی دیدگاه سکولار به هنگام اشتغال این دو دیدگاه در راستای تفاهم با یکدیگر..... ۲۸.....

۲/۱/۱/۱-«ایده‌ی سیاست خارجی توسعه‌گرا» جمع بندی دیدگاه سکولار (با نگاه اکونومیک به انسان، محوریت جامعه بر اقتصاد و نگاه مادی به تاریخ) ارائه شده در شرایط بین المللی خاص و تحریمهای وضع شده علیه ایران (مشکلات معطل و نیازمند تئوری) و استفاده از خلاء تئوریک نیروهای انقلابی معتقد به فاسد بودن مبانی علوم سکولار و در نهایت، مبانی عمل قرار گرفتن این تئوری در سیاست خارجی ایران ..... ۲۹.....

۲/۱/۱/۱/۱-بازسازی مجدد نگاه سکولار و مبانی عمل قرار گرفتن این معادلات (مثلاً در عرصه‌ی سیاست خارجی)، با وجود اطمینان نیروهای انقلابی نسبت به فاسد بودن مبانی علوم سکولار و بی تأثیر بودن مؤسسات تخصصی نقد مبانی علوم غربی (همانند مؤسسه امام خمینی رحمته‌الله) به علت به طول انجامیدن فرآیند کاربردی شدن مبانی دینی در این مؤسسات و اجبار نظام به مدیریت راهبرد خلاف «جهت حرکت انقلاب اسلامی» دولت (تعامل با ابرقدرت‌ها)، از طریق راهبرد «نرمش قهرمانانه» ..... ۳۱.....

۲/۱/۱/۱/۱/۱-شروع نقد معادلات سکولار از پیش فرض های فلسفی (مثلاً تکیه بر روی منجر نشدن توسعه به تکامل) در شرایط درگیری مردم با مشکلات اجتماعی (مثلاً عدم تأمین معیشتشان)، روشی حتی ناکارآمدتر از شروع بحث از نقد مبانی و ناکارآمد در ایجاد تأمل عمومی نسبت به مسائل..... ۳۳.....

۲/۱/۱/۲-تعریف انسان و نیازهایش به صورت غیرالهی (مثلاً تحت هرم نیازمندی‌های مازلو) در معادلات اقتصادی سکولار اداره‌کننده‌ی اقتصاد ایران و تعریف مادی از جامعه با محور قرار دادن اقتصاد برای جامعه و تعریف آب و آبدانی در نگاه سکولار، به عنوان محور شکل‌گیری تمدن ۳۴.....

۲/۱/۱/۲/۱-انتقاد به دیدگاه در نظرگیرنده‌ی آب به عنوان متغیر اصلی در تشکیل تمدن و نقد دیدگاه تعریف انسان به «حیوان ناطق» با تعریف انسان به «حی متألّه» و نقد دیدگاه «اقتصاد



- محور» به جامعه با در نظر گرفتن «عبادت» به عنوان محور جامعه (محورهای نقد دیدگاه سکولار و ارائه تعاریف دینی معادل) با آسیب تبدیل نشدن این تعاریف به معادله ..... ۳۶
- ۲/۱/۲/۱/۱- بازسازی نگاه سکولار به اقتصاد و مطرح کردن «مدیریت اقتضایی»، «تئوری نهادگرایی» و «دولت رفاه» (با کارکرد توزیع درآمد، بهتر از سایر نظریات) به عنوان الگوهای اقتصادی و مبنای عمل قرارگرفتن این نظریات، نتیجه‌ی به معادله نرسیدن تعاریف دینی ..... ۳۷
- ۲/۱/۲/۱/۱- سؤال از علت ایجاد فرصت، برای طرح مجدد تئوری‌های سکولار در غیاب تئوری‌های اسلامی، با وجود آگاهی نیروهای حزب‌اللهی نسبت به فساد مبانی نظری این تئوری‌ها و مشاهده‌ی اقبال عمومی به معادلات سکولار ..... ۳۹
- ۲/۱/۲/۱/۱- ایجاد خلاء تئوریک در فاصله‌ی زمانی لازم برای به کاربرد رسیدن مبانی اسلامی و پرکردن این خلاء به وسیله‌ی نظریه‌ی «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» ..... ۳۹
- ۲/۱/۲- پاسخ‌گویی نگاه سکولار به «موضوعات جهت‌ساز» جامعه، در فضای خلاء تئوریک دیدگاه اسلامی (عدم توجه به «مدیریت تحولات») و ایجاد زمینه‌ی تأمل جامعه بر روی مبانی نظری سکولار، به معنای زمینه‌سازی برای تغییر نگرش جامعه و حرکت به سمت «اصلاح قرائت دینی» (نتیجه‌ی مبنای عمل قرارگرفتن تئوری‌های سکولار) ..... ۴۰
- ۲/۱/۲/۱- القای برتر بودن مبانی و کاربردی تر بودن معادلات سکولار به وسیله‌ی پردازش عینی «موضوعات جهت‌ساز» جامعه (پاسخ‌گویی عملی به مسائل، با قدرت نگرش سازی بالا) و پرداختن نیروهای انقلابی به نقد مبنایی و طرح مباحث تئوریک (کارهای غیر عملیاتی، با قدرت نگرش سازی بسیار کم) ..... ۴۲
- ۲/۱/۲/۱/۱- امکان اثبات کارآمدی اصل «توحید» به صورت نظری، البته با قدرت نگرش‌سازی کم و همچنین امکان اثبات این کارآمدی با ایجاد یک تمدن بر اساس نگاه توحیدی (پردازش عینی)، با قدرت نگرش سازی بسیار بالا ..... ۴۳
- ۲/۱/۲/۱/۱- سؤال از تعطیلی ایجاد تأمل عمومی به نفع دستگاه ایمان، در فضای بروز کارآمدی معادلات سکولار و سؤال از انحصار راهبرد ایجاد تأمل به طرح مباحث نظری و احتمال تولد دیدگاه سوم در این شرایط ..... ۴۳
- ۲/۱/۲/۱/۱/۱- لزوم تقویت «کرسی‌های آزاداندیشی» و راه اندازی جریان قدرتمند گفتگویی در نقد دیدگاه سکولار، در صورت قائل بودن به انحصار ایجاد تأمل عمومی در طرح مباحث نظری (دیدگاه اول و دوم) با خاصیت تشخیص میزان فساد معادلات و انتخاب معادلات سکولار با فساد کمتر در دوران گذار ..... ۴۴
- ۲/۱/۲/۱/۱/۱- لزوم استفاده از ابزاری خاص - غیر از معادله‌سازی زمان‌بر- برای ایجاد تأمل جامعه نسبت به «جهت‌گیری صحیح» و اعراض عمومی از معادلات سکولار ..... ۴۵



۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱-پردازش نظام سؤالات تنظيم شده بر اساس «الگوی استخراج سؤال»، به چالش کشندهی معادلات سکولار و زمینه‌ساز ایجاد تأمل عمومی نسبت به مبانی اسلامی، روش پیشنهادی دیدگاه سوم..... ۴۶.

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱-تنظیم نظامی از سؤالات، ناظر به مشکلات موجود در کشورهای توسعه یافته (فقدان امنیت و عدالت، فروپاشی نهاد خانواده، تخریب محیط زیست و ...) و پردازش این سؤالات برای به چالش کشیدن دیدگاه توسعه گرا به اقتصاد، قبل از دستیابی به معادلات اقتصاد اسلامی..... ۴۷.

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱-اثبات محدود بودن کارآمدی معادلات سکولار (نگرش سازی) از طریق نظام سؤالات، با کارآمدی بالا و توجه به تفاوت این روش، در مقابله با دستگاه سکولار و روش نقد مبانی..... ۴۸.

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱-تبیین تفاوت روش «نظام سؤالات» و «نقد مبانی» در قالب مثال ۴۸... به سمت اجرایی کردن شاخه های توسعه ..... ۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱-«جرم‌خیزی» یکی از عوارض کشورهای توسعه یافته و حرکت کشور ۴۹.....

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱-محدود کردن و تغییر تعریف جرم، واگذاری بررسی یک سری از جرایم به NGO ها و تغییر ماهیت جرم از حالت قضایی به ماهیت اجتماعی، تدابیر دیدگاه سکولار برای کاهش ارتکاب به جرم..... ۴۹.....

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱/۱-بازشناسی مسئلهی جرم و ریشه‌یابی آن (پایه‌ای مناسب برای به چالش کشیدن دیدگاه سکولار)..... ۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱/۱-۵۰.....

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱/۱-ریشه‌ی ارتکاب به جرم در عدم تعادل شخصیت افراد و شکل گیری شخصیت افراد در نهاد خانواده، در نتیجه ارتکاب به جرم، نشانه‌ای برای فروپاشی نهاد خانواده و لزوم شناسایی عوامل تضعیف کنندهی نهاد خانواده در معادلات اداره‌کنندهی جامعه ۵۱.....

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۱/۱/۱-«پایه»ی خوب (مسئله‌ی غیرقابل‌انکار لزوم پیش گیری از جرم) و اتصال این «پایه» به «رکن» مورد نظر (تأثیر مستقیم برنامه‌ریزی‌های اجتماعی در وقوع جرم) به وسیله ی «شرح» فنی (آنالیز فرآیند تنظیم نظام سؤالات بر اساس «الگوی استخراج سؤال»)..... ۵۱.....

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱-نمایاندن محدودبودن کارآمدی معادلات سکولار و جلوگیری از ادعای دیدگاه سکولار نسبت به کارآمدی مبانی‌اش در سایر حوزه‌های اداره‌ی جامعه به وسیله‌ی پردازش نظام سؤالات و تغییر موازنه به نفع دستگاه ایمان..... ۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱-۵۲.....



۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۲/۱- استخراج ۸۱ سؤال، حول «موضوعات جهت‌ساز» در اولین «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» و تقسیم هر یک از این سؤالات به سه بخش «نقد»، «نقض» و «طرح» و تبدیل به ۲۴۳ مادر سؤال..... ۵۳

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۲/۱/۱- لزوم بررسی پاسخی گویی معادلات سکولار به تمامی «موضوعات جهت‌ساز» استخراج شده در نقشه‌ی راه (به چالش کشیدن معادلات سکولار از این طریق) و القای اضطراری بودن استفاده از معادلات سکولار به نخبگان به علت پاسخگو نبودن این معادلات به تمام «موضوعات جهت‌ساز»..... ۵۳

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۲/۱- همایش محدود و نبودن کارآمدی معادلات سکولار، روشی با قدرت نگرش سازی بالا و مؤثرتر از راهبرد نقد مبانی نظری، تمام حرف «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»..... ۵۴

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۱/۲/۱- بی‌نیاز بودن فهم «موضوعات جهت‌ساز» از استدلال‌های پیچیده به علت اتکای این موضوعات بر پایه‌ی فطریات..... ۵۴

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۳/۱/۱- استخراج ۸۱ «موضوع جهت‌ساز» و غیرقابل انکار در اولین «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی»..... ۵۶

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۳/۱/۱/۱- یکی دیگر از «موضوعات جهت‌ساز» و غیرقابل انکار حتی برای کفار به علت فطری بودن این مسئله..... ۵۷

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۳/۱/۱/۱/۱- تکیه بر مسائل غیرقابل انکار و غیرقابل حذف از شخصیت انسان‌ها و در یک کلام تکیه بر فطریات، روش قرآن در بیان موضوعات و روشی با قابلیت برقراری ارتباط در سطح جهانی به منظور به چالش کشیدن معادلات سکولار..... ۵۷

۲/۱/۲/۱/۱/۱/۲/۳/۱/۲- نگرش سازی فوق‌العاده در اثر پردازش صحیح یک «موضوع جهت‌ساز»، به معنای لازم نبودن گنجانده شدن هزاران سؤال در «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»..... ۵۸  
پردازش..... ۶۳

۱- عملیاتی کردن تئوری «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»، گام نهایی در مدیریت فضای علمی کشور..... ۶۳

۱/۱- شناسایی «موضوعات جهت‌ساز»، اولین گام در فرآیند عملیاتی کردن بانک سؤالات، مرحله‌ای انجام شده در اولین «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» با استخراج ۸۱ موضوع جهت‌ساز..... ۶۳

۱/۲- تعیین نهاد متکفل اجرایی کردن این تئوری و تخصیص بودجه‌های لازم به این نهاد، گام دوم در فرآیند اجرایی کردن «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی»..... ۶۴



- ۱/۲/۱- ایجاد معاونت بانک سؤالات در وزارت علوم به منظور مدیریت پایان نامه‌ها (یکی از گزینه های نهاد متکفل) ..... ۶۴
- ۱/۲/۲- ایجاد نهاد نمایندگی بانک سؤال در صداوسیما به منظور انعکاس فعالیت های این نهاد و تولید محصولات رسانه ای (یکی از گزینه های نهاد متکفل) ..... ۶۵
- ۱/۲/۳- ایجاد نهاد متکفل، زیرمجموعه ی نهاد رهبری و یا همانند نهادهای نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها (یکی از گزینه های نهاد متکفل) ..... ۶۵
- ۱/۲/۴- الزام مجلس شورای اسلامی به تشکیل نهاد بانک سؤال، زیرمجموعه ی ریاست مجلس، طی پنج سال و تعریف وظیفه ی شناسایی نظام مسائل جامعه بر اساس بانک سؤال و تقدیم خروجی پژوهش‌ها به مجلس به منظور تبدیل شدن به قانون (یکی از گزینه های نهاد متکفل) ..... ۶۶
- ۱/۲/۴/۱- لزوم در نظر گرفتن نسبت نهاد متکفل با نهاد بالاسری، مثلاً مشاهده ی نسبت نهاد بانک سؤال با قانون گذاری در صورت تشکیل این نهاد ذیل مجلس شورای اسلامی ..... ۶۶
- ۱/۲/۵- ذکر عنوان یک ساختار (بانک) در نام این تئوری، به علت لزوم وجود نهاد متکفل برای پی گیری این تئوری و لزوم گنجانده شدن این ساختار در قانون اساسی ..... ۶۷
- ۱/۳- تعریف مجراهای طرح سؤالات بانک، میان نهاد متکفل و سایر نهادهای تصمیم ساز، مثلاً درخواست برگزاری سلسله نشست از نهادهای علمی، اساتید و دانشجویان و انتقال سؤالات به ایشان از طریق «دفترچه های شرح سؤال»، گام سوم در عملیاتی کردن «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» ..... ۶۸
- ۱/۳/۱- حمایت از پایان نامه های هماهنگ با این نهاد، نمونه ای از احکام برنامه به منظور ثبت در برنامه ششم ..... ۶۹
- ۱/۴- تبدیل کردن تمام جزئیات اجرایی شدن تئوری (تعیین متکفل، حدود اختیارات و وظایف، نحوه ی گزارش دهی به سایر نهادها، نحوه ی تأمین بودجه، نهاد پشتیبان، نیازهای قانونی، نهاد متکفل نوشتن آیین نامه های لازم و...) به حکم برنامه به صورت کاملاً دقیق ..... ۶۹
- ۱/۴/۱- نظریه شفاف آنگاه فرآیند اجرایی شدن شفاف آنگاه احکام برنامه روشن و در نتیجه اجرای موفق و کامل تئوری ..... ۷۱
- خلاصه ی مطالب: ..... ۷۱
- پیوست ..... ۸۲
- ۱- اثبات حقانیت دیدگاه اسلامی و بطلان دیدگاه سکولار، با استفاده از اصل «اشراف» ..... ۸۲
- ۱/۱- وجود مکاتب گوناگون و بعضاً متناقض در عرصه ی تولید علوم سکولار ..... ۸۲



- ۱/۱/۱- روی گردانی از «نظام سرمایه‌داری» و روی آوردن به «نظام کمونیستی» نتیجه‌ی در دست نبودن معادله‌ی صحیح جایگزین، حتی در صورت پی‌بردن به نگرش غلط..... ۸۲
- ۱/۱/۱/۱- تنظیم نظام مارکسیستی بر محور «کار»، جایگزین نظام سرمایه‌داری بر محور «سود»، روش اشتباه آزمون و خطا به علت بی‌بهره بودن از نگرش صحیح..... ۸۳
- ۱/۱/۱/۱/۱- اسیر نگرش غلط دیگر شدن بعد از احساس غلط‌بودن نگرش فعلی، نتیجه‌ی تنظیم نشدن نگرش‌ها با دین ..... ۸۴
- ۱/۱/۲- ایجاد «فاصله‌ی طبقاتی» نمایانگر علیل بودن «نظام سرمایه‌داری» و روی آوردن به «دولت رفاه» آنگاه مشاهده نابسامانی در نظام پولی نمایانگر علیل بودن «دولت رفاه» (دور باطل انسان به علت بی‌توجهی به دین)..... ۸۴
- ۱/۲- استفاده از نسخه‌ی خالق، به علت مدنظر قرار گرفتن تمام ویژگی‌های مخلوقات در آن، روش مختار دینداران به منظور تحقق هدایت ..... ۸۵
- ۱/۲/۱- اتکاء به اصل «اشراف» به منظور اثبات جامع‌نگری نسخه‌ی خالق (به علت اشراف خالق به مخلوق)..... ۸۵
- ۱/۲/۱/۱- استفاده از اصل «اشراف» توسط ائمه علیهم‌السلام در مقام مناظره با کفار برای اثبات عدم اشراف ایشان به مسائل و اظهار تعجب ائمه علیهم‌السلام از مخالفت کفار با امور مجهول..... ۸۵
- ۱/۲/۱/۲- تسلیم عقل در برابر وجود مشرف‌تر به موضوعات، مفهوم اصل «اشراف» و یک اصل کاملاً قابل پذیرش در تمام سطوح اجتماعی (نخبه، عوام و...) به علت فطری بودن آن ..... ۸۷
- ۱/۲/۱/۲/۱- اتکاء به حجیت (به علت وجود اصل «اشراف» در دل حجیت) به منظور استخراج «معادلات صحیح» از دین ..... ۸۷
- ۱/۲/۱/۲/۱/۱- وجود کارآمدی در بسته‌ی معادلات استخراج شده از دین..... ۸۸
- ۱/۲/۱/۲/۱/۱/۱- مدنظر قرار گرفتن متغیرهای فراوان در حجیت به دست آمده از پایگاه مشرف به امور (خالق) و در نتیجه کارآمدتر بودن این حجیت به علت جامع‌نگری به امور..... ۸۸
- نتیجه‌گیری:..... ۸۹



پوست

## پوست

### ۱- اثبات حقانیت دیدگاه اسلامی و بطلان دیدگاه سکولار، با استفاده از

#### اصل «اشراف»

همان‌طور که بیان شد، پیش‌فرض ما در این نوشته، هدایت‌گر بودن نگاه اسلامی و گمراه‌کنندگی نگاه سکولار است. اما استدلال شورای راهبردی برای این ادعا، ذیل اصل «اشراف» قابل بررسی است؛ که در ادامه به بیان آن می‌پردازیم.

#### ۱/۱- وجود مکاتب گوناگون و بعضاً متناقض در عرصه تولید علوم سکولار

گفتم که در دنیای غرب، در علوم مختلف، دیدگاه‌ها و مکاتب گوناگونی وجود دارد، که بعضاً با یکدیگر در تناقض بوده و یکدیگر را نفی می‌کنند. از این ورودی بحث را آغاز کرده و به شرح آن می‌پردازیم.

#### ۱/۱/۱- روی‌گردانی از «نظام سرمایه‌داری» و روی آوردن به «نظام

کمونیستی»، نتیجه‌ی در دست نبودن معادله‌ی صحیح جایگزین، حتی در صورت پی‌بردن به نگرش غلط

به عنوان یک مثال عینی می‌توان به دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف اقتصادی اشاره کرد. در یک دوره اعتقاد بر این بود که «نظام



سرمایه‌داری<sup>۴۴</sup> غلط است و به عنوان جایگزین، «نظام مارکسیستی<sup>۴۵</sup>» پیشنهاد شد. علت این جایگزینی، در دست نبودن «معادله‌ی صحیح» است؛ به اصطلاح می‌توان گفت: کشورهای مختلف از چاله بیرون آمده و در یک چاه سقوط کرده‌اند.

### ۱/۱/۱- تنظیم نظام مارکسیستی بر محور «کار»، جایگزین نظام سرمایه‌داری بر محور «سود»، روش اشتباه آزمون و خطا به علت بی‌بهره بودن از نگرش صحیح

کاری که در نظام مارکسیستی انجام شد این بود که محوریت اقتصاد از «سود» به «کار» تغییر پیدا کرد. پرسش ما این است که با وجود غلط بودن نگرش سرمایه‌داری، آیا نگرش مارکسیستی به اقتصاد، یک نگرش صحیح است؟ منشاء این سردرگمی‌ها و استفاده از آزمون و خطا، بی‌بهره بودن این کشورها از یک نگرش صحیح، با پایه‌های محکم است.

<sup>۴۴</sup> کپیتالیسم (به انگلیسی: Capitalism) یا سرمایه‌داری، سرمایه‌محوری یک نظام اقتصادی است که در آن پایه‌های یک سیستم اقتصادی بر روی مالکیت خصوصی ابزارهای تولید اقتصادی است و در دست مالکان خصوصی است و از این برای ایجاد بهره‌مندی اقتصادی در بازارهایی رقابتی استفاده می‌شود. که این به این نظام، آزادی مالکیت شخصی نیز گفته می‌شود.

<sup>۴۵</sup> مارکسیسم (Marxism) مکتبی سیاسی و اجتماعی است که توسط کارل مارکس، فیلسوف و انقلابی آلمانی در اواخر قرن نوزدهم پیدا شد. فردریش انگلس نیز از شکل‌دهندگان مهم به اندیشه مارکسیسم بوده‌است و مارکسیست‌ها با اصول کلی اندیشه او نیز موافق هستند.



۱/۱/۱/۱- اسیر نگرشِ غلطِ دیگر شدن بعد از احساس غلط بودن نگرش

فعلی، نتیجه‌ی تنظیم نشدن نگرش‌ها با دین

اگر انسان و حکومت‌ها، نگرش‌های خود را بر اساس نگرش الهی تنظیم ننمایند، همواره بعد از احساس اشکال در یک نگرش انسانی، به منظور اصلاح آن، در دام یک نگرش غلط انسانی دیگر می‌افتند.

۱/۱/۲- ایجاد «فاصله‌ی طبقاتی» نمایانگر علیل بودن «نظام

سرمایه‌داری» و روی آوردن به «دولت رفاه» آنگاه مشاهده نابسامانی در نظام پولی نمایانگر علیل بودن «دولت رفاه» (دور باطل انسان به علت بی‌توجهی به دین)

به عنوان مثال انسان‌ها، نگرش سرمایه‌داری به اقتصاد را مبنای عمل خود قرار داده و بر اساس آن شروع به فعالیت نموده‌اند، اما در ادامه با مشکل «فاصله‌ی طبقاتی» رو به رو شده و به منظور اصلاح آن به تئوری «دولت رفاه»<sup>۴۶</sup> رو آورده‌اند. در ادامه نیز تئوری دولت رفاه با مشکل به هم ریختگی و نابه سامانی نظام پولی مواجه گردیده و ناموفق ظاهر شده است. به این ترتیب بشریت با این روش‌ها، هرگز از این دور باطل، رهایی نخواهد یافت.

<sup>۴۶</sup> دولت رفاه (به انگلیسی: Welfare state) دولتی است که در آن تامین و بهبود رفاه عمومی وظیفه قانونی نهادهای قدرت است. در این نظام اقتصادی دولت به همه کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه‌های خود را تامین کنند یاری‌رسانی می‌کند. این کار از طریق پرداخت مستمری (حداقل درآمد) و یا کمک‌های نقدی دیگر انجام می‌شود.



**۱/۲- استفاده از نسخه‌ی خالق، به علت مدنظر قرار گرفتن تمام ویژگی‌های مخلوقات در آن، روش مختار دینداران به منظور تحقق هدایت در این شرایط سؤال این است که حرف دین‌داران چیست؟ حرف دین‌داران در یک جمله جمع شده است. دین‌داران می‌گویند: ویژگی‌های مخلوقات به صورت کامل و همه‌جانبه در نسخه‌ای که توسط خالق متعال ارائه شده، به تصویر درآمده است.**

**۱/۲/۱- اتکاء به اصل «اشراف» به منظور اثبات جامع‌نگری نسخه‌ی خالق (به علت اشراف خالق به مخلوق)**

اما ممکن است سؤال شود که استدلال دین‌داران برای اثبات این مدعا چیست؟ عرض می‌کنیم دلیل آن اصل «اشراف» است.

**۱/۲/۱/۱- استفاده از اصل «اشراف» توسط ائمه (علیهم‌السلام) در مقام مناظره با کفار برای اثبات عدم اشراف ایشان به مسائل و اظهار تعجب ائمه (علیهم‌السلام) از مخالفت کفار با امور مجهول**

یکی از اصولی که ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در مناظرات خود با ملحدین از آن استفاده می‌کردند، اصل «اشراف» بوده است. به عنوان مثال امام صادق (علیه‌السلام) و امام رضا (علیه‌السلام) در مناظرات خود از این اصل استفاده کرده‌اند. «اشراف» به معنای تسلط به ابعاد یک مسئله است. این روش با استعانت از روایات، روشی است قابل استفاده. به عنوان نمونه، یکی از مناظرات امام صادق (علیه‌السلام) را که در آن، ایشان از اصل «اشراف»



برای اثبات ناتوان بودن مخاطب، در تشخیص حق استفاده کرده است را می‌توانید در پاورقی مشاهده نمایید<sup>۴۷</sup>.

<sup>۴۷</sup> مناظره‌ی امام صادق (علیه السلام) با زیندبیک مصری: امام: تو می‌دانی که زمین زیر و زبری دارد؟ گفت: آری. امام: زیر زمین رفت‌های؟ گفت: نه. امام: پس چه می‌دانی زیر زمین چیست؟ گفت: نمی‌دانم، ولی به گمانم که زیر زمین چیزی نیست. امام: ظن و گمان، اظهار درماندگی است، نسبت به چیزی که نتوانی یقین کنی. امام: به آسمان بالا رفت‌های؟ زندق: نه. امام: می‌دانی در آن چیست؟ زندق: نمی‌دانم. امام: از تو عجب است که نه به مشرق رسیده‌ای و نه به مغرب، نه به زیر زمین فرو شده‌ای و نه به آسمان بالا رفت‌های و نه به آنجا گذر کرده‌ای تا بفهمی چه آفریده‌ای دارند در حالی که منکر هر چه در آن‌هاست، هستی. آیا خردمند چیزی را که نداند، منکر آن می‌شود؟ زندق: هیچ کس جز تو با من این سخن را نگفته است. امام: پس تو در این شک داری، شاید که آن همان باشد و شاید هم نباشد. زندق: شاید همین طور است. امام: ای مرد، کسی که نمی‌داند، بر کسی که می‌داند، دلیلی ندارد؛ ای برادر مصری، نادان که دلیلی ندارد. از طرف من این نکته را خوب بفهم که ما هرگز درباره خدا تردیدی نداریم، مگر نمی‌بینی خورشید و ماه و شب و روز غروب می‌کنند و بی اشتباه و کم و بیش بر می‌گردند؟ ناچار و مسخرند، جز مدار خود مکانی ندارند، اگر می‌توانستند می‌رفتند و بر نمی‌گشتند. اگر ناچار نبودند، چرا شب، روز نمی‌شد و روز، شب نمی‌شد. ای برادر اهل مصر، به خدا قسم آن دو مسخر و ناچارند که به وضع خود ادامه دهند و آنکه آنها را مسخر و ناچار کرده است، از آنها محکم‌تر و حکیم‌تر و بزرگ‌تر است. زندق: درست می‌فرمایید. امام: ای برادر مصری، به راستی آنچه را شما به آن گرویده‌اید و گمان می‌کنید که دهر است، اگر دهر است، آن گاه که مردم را از بین می‌برد، چرا آنها را بر نمی‌گرداند؟ اگر آنها را بر می‌گرداند، چرا نمی‌برد؟ (یعنی چون دهر شعور و حکمت ندارد، اگر مؤثر باشد باید افعال صادره از او مختل باشد و به جای ایجاد، از بین ببرد و به جای از بین بردن، ایجاد کند؛ زیرا ترجیح بین آنها را نمی‌فهمد). ای برادر مصری، همه ناچارند. راستی چرا خداوند آسمان افراشته است و زمین را هموار و زیر پا نهاده است و چرا آسمان بر زمین نمی‌افتد و زمین بالای طبقات آسمان فرو نمی‌رود و به هم نمی‌چسبند و کسانی که در آنها هستند، به هم نمی‌چسبند؟ زندق: خداوند پرورنده و سید و سرورشان، آنها را نگه داشته است.

در پایان این مناظره آن زندق به دست امام صادق علیه‌السلام مؤمن شد. آن تازه مسلمان به امام عرض کرد: مرا به شاگردی خود بپذیر. امام به هشام بن حکم فرمود: او را با خود ببر و به او تعلیم ده. هشام او را تعلیم داد. «مجمع‌اصول کافی، مترجم: آیه الله محمد باقر کمره‌ای، ج ۱، صفحات ۲۱۷-۲۱۱، انتشارات اسوه، چاپ



۱/۲/۱/۲- تسلیم عقل در برابر وجود مشرف‌تر به موضوعات، مفهوم اصل «اشراف» و یک اصل کاملاً قابل پذیرش در تمام سطوح اجتماعی (نخبه، عوام و...) به علت فطری بودن آن

وقتی ما ادعا می‌کنیم، به منظور دستیابی به «جهت‌گیری» صحیح، باید به خالق متعال - که دارای اشراف به تمام مخلوقات است - مراجعه نماییم، در حال استفاده از یک اصل کاملاً عقلی هستیم. به عبارت دیگر اگر عقل به این مطلب آگاه شود، که در یک وجود متعالی، اشراف و آگاهی بیشتری به یک موضوع وجود دارد، حالت تسلیم و اعتماد به آن وجود را خواهد پذیرفت. این یک اصل قابل پذیرش در تمام سطوح اجتماعی است، زیرا پایه‌ی آن، بر فطرت بنانهاد شده است.

۱/۲/۱/۲/۱- اتکاء به حجیت (به علت وجود اصل «اشراف» در دل حجیت) به منظور استخراج «معادلات صحیح» از دین

بنابراین با بیان این مقدمات به این نتیجه رسیدیم که پایه‌ی محکم، سخنی است که از وجودی متعالی - که دارای اشراف بیشتری به انسان است - برآمده باشد. در این صورت وقتی از ما می‌پرسند که شما به چه دلیل برای استخراج «معادلات صحیح»، بر روی مسئله‌ی حجیت تأکید دارید؟ پاسخ ما این است که در دل «حجیت»، اصل اشراف نهفته است.



۱/۱/۲/۱/۲- وجود کارآمدی در بسته‌ی معادلات استخراج شده از

**دین**

یکی از اهدافی که مطرح است، استفاده از گزینه‌ی کارآمدتر و کاربردی‌تر، در اداره‌ی جامعه است. بنابه مطالبی که ارائه شد، کارآمدی واقعی و بنیادین، در اثر استفاده از بسته‌ی معادلات به دست آمده از پایگاه دین، حاصل می‌شود.

۱/۱/۲/۱/۲- مدنظر قرار گرفتن متغیرهای فراوان در حجیت به

**دست آمده از پایگاه مشرف به امور (خالق) و در نتیجه کارآمدتر بودن این**

**حجیت به علت جامع‌نگری به امور**

حال ممکن است پرسیده شود که استدلال شما برای کارآمدتر بودن «جهت‌گیری» بر آمده از دل حجیت چیست؟ استدلال ما برای این مطلب این است که وقتی شما، حجیت را از یک پایگاه مشرف به امور، دریافت نموده‌اید، به معنای در نظر گرفتن جنبه‌های گسترده-تری از مسائل است. معنای این حرف این است که شما متغیرهای بیشتری را در راستای تحقق امور در نظر گرفته‌اید، بنابراین حرف شما به کارآمدی نزدیک‌تر است. یکی از عوامل ناکارآمدی، تحلیل ناقص است. اما تحلیلی که از پایگاه حجیت استخراج شده است، به دلیل اشراف بیشتر، دارای کارآمدی بیشتری هم خواهد بود. بنابراین ما معتقدیم اگر حجیت واقعی به دست آمد، در درون خود دارای کارآمدی هم می‌باشد. استدلال آن هم این نکته است که حجیت به معنای تحلیل همه جانبه است و منشاء کارآمدی هم،





تحلیل همه جانبه‌ی امور است. اتفاقاً ناکارآمدی ما در آن اموری است که اقدام به تحلیل بخشی می‌نماییم.

### نتیجه‌گیری:

دیدگاه سکولار به علت مشرف نبودن به تمام متغیرهای مؤثر در معادلات، قادر به تولید معادلات کاربردی، به معنای واقعی و تعریف روابط صحیح میان پدیده‌ها نبوده و در یک کلام می‌توان گفت: مبانی علوم سکولار به علت مشرف نبودن به تمام متغیرها، نمی‌تواند به عنوان پایه‌ای محکم مورد استفاده قرار گیرد. در طرف دیگر، دیدگاه اسلامی، به علت تکیه بر اصل «حجیت» در استدلالها و وجود اصل «اشراف» در دل حجیت، تمامی متغیرها را در معادلات خود مدنظر قرار داده و در نتیجه قادر به تولید معادلات کارآمدتر و کاربردی‌تری خواهد بود.







## نظریه بانک سوالات الگوی پیشرفت اسلامی

### امام خامنه‌ای علیه السلام

ما چند پیش فرض داریم. یکی این است که پیشرفت علمی، ضرورت حیاتی کشور در علوم مختلف است؛ البته رتبه بندی علوم را بعد عرض می‌کنیم، که یکی از کارهای مهم است.

پیش فرض دوم این است که این پیشرفت علمی، اگر چه که با فراگیری علم از کشورها و مراکز پیشرفته تر علمی حاصل خواهد شد. بخشی از آن بلاشک این است - اما فراگیری علم یک مسئله است، تولید علم یک مسئله دیگر است. نباید ما در مسئله علم، واکن خودمان را به لوگو متوسلیم. البته اگر این وابستگی ایجاد شود، یک پیشرفت فنی پیدا خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن دنباله روی، نداشتن ابتکار، زبردست بودن معنوی، لازمه‌ی قطعی این چنین پیشروی‌ای است؛ و این جایز نیست.

بنابراین، ما باید علم را خودمان تولید کنیم و آن را بچوشانیم. هر پله‌ای از پله‌ها که انسان در مدارج علم بالا برود، او را آماده می‌کند برای برداشتن گام بعدی و رفتن به یک پله‌ی بالاتر. این حرکت را بایستی ما از خودمان، در درون خودمان، با استفاده‌ی از منابع فکری و ذخایر میراث فرهنگی خودمان ادامه بدهیم و داشته باشیم.

بیانات در دیدار پنجمین مجمع علمی و استادان شاخه ۱۳۸۷/۰۷/۰۳

تصور راهبرد الگو بیست و نهم اسلام